

صبح

۲۵۷۱

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

ورخپاڼه

پیشکش ویژه تماسهای داخلی

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

۱ جلد دزدک 1,000,000 افغانی

با مصرف نمون کریت بیشتر چشمتان پرند شمتا بیشتر میگردد!

تا پیلان ۱۹ تا ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶

تماس به سایر شبکه های داخلی 0.99 پول هر 30 ثقیه

تماس به افغان بیسیم 0.75 پول هر 30 ثقیه

برای اشتراک: #255*5*1 را دابل نماید.

این پیشکش برای مشترکین سیم کارت های 2.99 ، تاب سیم و یک بر سه قابل استفاده میباشد.

برای لغو اشتراک: #255*5*2 را دابل نماید.

فیس روزانه 1.98 افغانی

www.afghan-wireless.com

152

AFGHAN WIRELESS

ارتباط همدۀ افغانستان Connecting Afghanistan

سال دهم ◊ شماره مسلسل ۲۵۷۱ ◊ چهارشنبه ۴ حوت ۱۳۹۵ ◊ قیمت ۲۰ افغانی



فرخنده؛ قربانی شکست دستگاه عدالت



ضعف منطق پاکستانیها در امریکا؛ و فرصتهایی که افغانستان در اختیار دارد

البته برای ایالات متحده امریکا، نیز مبارزه موثر و فعال با تروریسم و هراس افگنی در افغانستان، حایز اهمیت است. از میان ۹۸ گروه تروریستی که در فهرست سیاه ایالات متحده امریکا قرار دارند، ۲۲ گروه آن در افغانستان و پاکستان فعالاند. این گروهها به اشکال مختلف به امریکا ضربه میزنند. بنابراین، برای ایالات متحده امریکا ضروری است تا در افغانستان برای مبارزه با تروریسم حضور داشته باشد و این حضور باید به گونه‌ای باشد که تروریسم در همه اشکال آن به مرور زمان از بین برود و حساسیت کشورهای منطقه نیز در فرآیند این مبارزه برانگیخته نشود.

صفحه ۱۰

شرکت خدمات اینترنتی افغان سایبر - Afghan Cyber ISP/ICT Company

Internet Services all over Afghanistan

- NGOs & Army Camps
- Government Sector
- Private Organizations & Homes
- VSAT
- ICT Solutions
- Wireless

+93 799 19 92 03
+93 789 28 40 40

West of Hanzalah Masjid, Haji Yaqub Square, Shar-e-naw, Kabul-Afghanistan

Afghan Cyber Services With Reliability

Call for expression of interest (EOI) Tender Notification



Tender Reference no: 83251148

- ▶ The Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH is an international cooperation enterprise for sustainable development with worldwide operations. It is implementing a Technical Cooperation measure on behalf of the Government of the Federal Republic of Germany and its Federal Ministry for Economic Cooperation and Development (BMZ).
- ▶ The Promotion of the Rule of Law is supporting the Government of the Islamic Republic of Afghanistan to achieve more and better justice applied equally to all its citizens and institutions. In this respect GIZ Promotion of the Rule of Law is planning to implement a Community Policing Project in three Northern provinces of Afghanistan.
- ▶ The community policing project is already implemented in the provinces of Balkh and Kunduz and is now supposed to be implemented in three additional Northern provinces (i.e. Samangan, Jawzjan and Badakhshan provinces).
- ▶ The consultant will deliver a series of sessions/meetings to strengthen the cooperation between police and community. After successful implementation of community consultation meetings, he will hand over those to the respective Police-e Mardumi department of the provinces.

Shortlisting Criteria for Expression of Interest:

S. No:	Descriptions:
1	The NGOs/ companies should have a valid license from a relevant Afghan Government entity (Copy of valid license)AISA.
2	Minimum 2 years of working experience is required in Community Policing or related field (Evidence of Past documents).
3	Past experience with international donor is preferred (Copies of signed contracts).
4	Sectorial experience: within local and intertional organization regarind Community Policing or related field
5	The NGO/ company should have well established offices in Jawzjan/Samangan and Badakhshan provinces

Note: The timeline for this contract is estimated five months

Interested eligible Consultancy Companies or NGOs can send the interest letter along with updated company profile and references 83251148 to Contracting-Unit.afg@giz.de by 22nd February 2017, at 16:00 pm Kabul local time. (GIZ- Office Kabul, Afghanistan) The EOI should demonstrate the company's competencies and relevant past work experience.



رویکرد گزینشی و رویکرد جامع

دیروز یک دادگاه در ایالت خیبرپختونخوا پاکستان هدف حمله‌ی تروریستی قرار گرفت. قربانیان این حمله هم مردم عام پاکستان بودند. موجی از حملات تروریستی اخیر در پاکستان که از مردم این کشور قربانی می‌گیرد، به وضوح نشان می‌دهد که رویکرد گزینشی ارتش پاکستان در مبارزه با تروریسم به هیچ وجه جواب نداده است. این رویکرد نتوانسته است جلو کشته‌شدن مردم عام پاکستان را بگیرد.

تا زمانی که اسلام آباد رویکرد جامع و همه‌شمول در مبارزه با تروریسم اتخاذ نکند، مردم پاکستان هم‌چنان قربانی خواهند شد. تخم ناامنی و ترور هم در اواخر سال ۲۰۰۱ در پاکستان کشت شد. در آن زمان پرویز مشرف حاکم وقت پاکستان تصمیم گرفت که دوگانه بازی کند. او با امریکایی‌ها در مبارزه با القاعده همکاری ولی مخفیانه به گروه طالبان کمک می‌کرد تا افغانستان را ناامن بسازند.

ایجاد حاشیه‌ی امن و شبکه‌های حمایتی برای طالبان در شهرهای پاکستان، مبارزه با القاعده را هم دشوار ساخت. شبکه‌های حمایتی و حاشیه‌ی امنی که برای طالبان ایجاد شده بود، القاعده هم از آن بهره می‌برد. اسامه بن لادن به بسیار راحتی در یک ویلا در ایبیت‌آباد مستقر شد و از آن‌جا شبکه‌ی خود را مدیریت می‌کرد. تحریک طالبان پاکستانی هم در سال ۲۰۰۷ ایجاد شد و حضور خود را گسترش داد. عناصری در درون دستگاه‌های استخباراتی پاکستان، شیفته‌ی ایدئولوژی طالبان و القاعده شدند.

حادثه‌ی لال مسجد، ترور بی‌ظنیر بوتو و قتل بن لادن در ایبیت‌آباد، نشان داد که پاکستان خیلی آسیب‌پذیر است و رویکرد گزینشی در مبارزه با ترور جواب نداده است. اما تا امروز هم هیچ یک از جنرال‌های پاکستانی نمی‌خواهند که رویکرد خود را تغییر دهند. اگر این رویکرد تغییر نکند مردم پاکستان هر روز قربانی می‌دهند. هیچ کشور خارجی نمی‌تواند پاکستان را نابود کند، اما رادیکالیسمی که در درون پاکستان پرورش یافته است و نتیجه‌ی سیاست‌های ارتش این کشور است، استعداد بی‌ثبات‌سازی بیشتر پاکستان را دارد. سیاستمداران و جنرال‌های پاکستانی پیش از متهم کردن کشورهای خارجی به بی‌ثبات‌سازی پاکستان، باید روی رویکرد گزینشی خودشان غور کنند.

از اثر سیاست گزینشی پاکستان در مبارزه با ترور و کمک‌های سازمان استخبارات این کشور با طالبان، بخش‌هایی از قلمرو افغانستان نیز از کنترل دولت بیرون شد. در این بخش‌ها حالا نیروهای بنیادگرای مخالف پاکستان نیز حضور دارند. این واقعیتی است که کسی نمی‌تواند آن را انکار کند.

راه مهار تروریسم هم، شکل‌گیری هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی در مبارزه با تروریسم است. نقش پاکستان و افغانستان در این هم‌گرایی خیلی مهم است. پاکستان باید به جای ایجاد حاشیه امن به گروه‌هایی که با دولت افغانستان دشمنی می‌کنند، وارد فاز همکاری‌های استراتژیک با کابل شود. این امر سبب می‌شود که حاشیه‌های امن گروه‌های تروریستی از بین برود. وقتی گروه‌های تروریستی قلمرو امن، منابع تمویل و اردوگاه‌های آموزشی نداشته باشند، دیگر قادر به کشتار مردم نمی‌باشند.

اما اگر حمایت از برخی از گروه‌های تروریستی پروژه‌ی دولتی باشد و پاکستان از آن به عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده کند، ترور و کشتار دوام خواهد کرد. ارتش پاکستان باید دایره دخالت‌های خود را به قلمرو افغانستان محدود کند. تلاش برای ایجاد عمق ایدئولوژیک یا نظامی در کشورهای دیگر از جمله افغانستان، نتیجه‌ای غیر از تروریسم به بار نمی‌آورد.

قرارداد دیزاین

پروژه «تاپی» امضا شد



۸ صبح، کابل: قرارداد دیزاین پروژه انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند، «تاپی»، میان شرکت‌های افغان گاز و «آی‌آف» به امضا رسید. این قرارداد روز گذشته طی مراسم خاصی در ارگ ریاست‌جمهوری با حضور اشرف غنی رییس‌جمهور و سفرای کشورهای ترکمنستان، هند و پاکستان توسط عبدالقیوم رشید سرپرست شرکت «افغان گاز» و ستیفن رییس شرکت «آی‌آف» به امضا رسید. براساس این قرارداد، شرکت افغان گاز کارمندان مسلکی برای اجرای این پروژه آموزش خواهد داد.

در دو مرحله تکمیل خواهد شد. خانم حبیب‌یار با تاکید بر این که پروژه «تاپی» از نگاه اقتصادی برای افغانستان اهمیت زیادی دارد، افزود که آمادگی‌ها برای تامین امنیت پروژه، طرح و دیزاین، مطالعات محیط زیستی و اجتماعی، ماین پاک، سروی جزئیات مسیر پایپ لاین و استمالک زمین شامل مرحله اول می‌شود که طی یک سال آینده به اتمام خواهد رسید. به گفته او، مرحله دوم که شامل آغاز به کار رسمی احداث پایپ لاین گاز می‌شود، سه سال دیگر در بر خواهد گرفت. سرپرست وزارت معادن و پترولیم می‌گوید که پروژه «تاپی» که ۱۷۳۵ کیلومتر طول دارد، ظرفیت انتقال ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز را در یک

قتل سی و شش شورشی

در عملیات‌ها



۸ صبح، کابل: در نتیجه عملیات‌های مشترک نیروهای امنیتی کشور، سی و شش تن از شورشیان مسلح مخالف دولت به قتل رسیده‌اند. وزارت دفاع می‌گوید این عملیات‌ها

به منظور سرکوب شورشیان در ولایت‌های ننگرهار، کاپیسا، لغمان، خوست، ارزگان، کنداره، زابل، فراه، فاریاب و هلمند راه‌اندازی شده بود. به گفته این وزارت، در میان افراد

خودداری مسوولان از پاسخ‌گویی

در باره محاصره خانه دوستم

به دنبال تحت محاصره قرار گرفتن خانه و محل کار جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست‌جمهوری توسط نیروهای ویژه امنیتی، مقام‌های مسوول دولتی از ارایه جزئیات در این باره خودداری کرده‌اند. سکوت این مقام‌ها نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان شهروندان در باره احتمال جنجال‌های تازه، خلق کرده است. برخی از رسانه‌ها گزارش داده‌اند که محل کار و خانه آقای دوستم از شب سه‌شنبه تحت محاصره قرار گرفته و حضور نیروهای امنیتی صبح سه‌شنبه بیشتر شده است. این رسانه‌ها از حضور تانک‌های زرهی در جاده‌های منتهی به خانه معاون اول ریاست‌جمهوری گزارش داده و همچنین گفته‌اند که نیروهای امنیتی از رفت و آمد وسایط نقلیه در منطقه شیرپور جلوگیری

کرده‌اند. بی بی سی گفته که چند تانک در نزدیک خانه جنرال دوستم و دو عرادۀ تانک دیگر در محوطه ساختمان صدارت، محل کار آقای دوستم مستقر شده‌اند. یک منبع به از ریاست‌جمهوری به بی بی سی گفته است که این اقدام در پی حضور جنرال دوستم با صدها محافظ مجهز به سلاح سبک و سنگین در دفتر کارش صورت گرفته است. از این منبع که نامی از آن گرفته نشده است، حضور آقای دوستم با سلاح سبک و سنگین در محل کارش را اقدام غیرقانونی توصیف کرده است. این منبع همچنین تاکید کرده که برنامه‌ای برای بازداشت جنرال دوستم و محافظان وی وجود ندارد. جنرال دوستم روز دوشنبه پس از نزدیک به چهار ماه غیبت، به دفتر

سال دارا می‌باشد. این پایپ لاین قرار است از ترکمنستان آغاز و از مسیر ولایت‌های هرات، فراه، هلمند، نیمروز و منطقه سپین بولدک ولایت قندهار به پاکستان و هند امتداد یابد.

غزال حبیب‌یار تاکید کرد که دولت افغانستان از طریق انتقال پایپ لاین گاز ترکمنستان به پاکستان و هند، سالانه مبلغ چهارصد میلیون دالر عاید به دست خواهد آورد. وی همچنین گفت که با آغاز به کار این پروژه فرصت‌های شغلی زیادی نیز ایجاد خواهد شد.

قرار است در مسیر این پایپ لاین، پروژه‌های احداث خط آهن، فایبر نوری، انتقال لاین برق و تاسیس پارک‌های صنعتی نیز راه‌اندازی شود. در همین حال، مراد امانوف رییس هیات عامل شرکت احداث پروژه «تاپی»، می‌گوید که در کنار این پروژه چندین دهلیز بزرگ اقتصادی نیز در منطقه ایجاد شود. به گفته او، این دهلیزها در رشد اقتصاد کشورهای منطقه نقش مؤثری خواهند شد.

وی گفت که کارهای مقدماتی و اسناد انجینیری پروژه «تاپی» انجام و تهیه شده، کشورهای دخیل در این پروژه به ویژه ترکمنستان، متعهد بر تطبیق و تکمیل پروژه «تاپی» می‌باشند.

تاکید سفارت امریکا به از بین بردن مواد مخدر در افغانستان

۸ صبح، کابل: هوگو لارنس شارژدافیر خاص سفارت ایالات متحده امریکا در کابل، به کاهش و از بین بردن مواد مخدر در افغانستان تاکید کرده است.

آقای لارنس در ورکشاپی که از سوی سفارت امریکا به منظور تقویت استراتژی مبارزه با مواد مخدر با حضور شماری از مقام‌های ارشد دولتی برگزار شده بود، گفته است که برای بازداشت قاچاق‌بران و کاهش مواد مخدر باید تلاش‌های بیشتری صورت گیرد.

براساس اعلامیه‌ای که توسط سفارت ایالات متحده امریکا در کابل منتشر شده، هوگو لارنس گفته است: «بزرگی مشکل مبارزه با مواد مخدر در افغانستان را همه‌ی ما می‌دانیم. ما باید کشتزارهای بیشتر خشخاش را از بین ببریم، هیرویین بیشتر را ضبط و مصادره کنیم، قاچاق‌بران بیشتر را تحت پیگرد قانونی قرار دهیم و جریان گردش این مواد مضر را کاهش دهیم. با کمک شما، ما می‌توانیم به طور مشترک برای افغان‌ها آینده‌ی بهتر را به میان بیاوریم.»

این اظهارات در حالی بیان می‌شود که میزان تولید مواد مخدر در افغانستان طی سال‌های اخیر بالا رفته است.

سفر چند سناتور امریکایی به کابل و دیدارشان با رهبران حکومت

۸ صبح، کابل: چند تن از سناتوران امریکایی به افغانستان سفر کرده و با رهبران حکومت وحدت ملی در باره مسایل امنیتی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری و معارف گفتگو کرده‌اند.

دفتر ریاست‌جمهوری در یک اعلامیه کوتاه می‌نویسد این سناتوران که برای چندمین بار به افغانستان سفر کرده‌اند، در دیدارشان با اشرف غنی رییس‌جمهور و عبدالله عبدالله رییس اجرایی، اعلام داشته، که آنان در این سفر شاهد پیشرفت‌های خوبی در عرصه‌های مختلف در افغانستان هستند و از اقدامات انجام شده توسط حکومت وحدت ملی در زمینه‌های مختلف ستایش می‌کنند.

جنجال آلمانی‌ها در مورد اخراج پناهجویان افغان

تنها سازمان‌های حقوق بشری نیستند که مخالف اخراج پناهجویان رد شده افغان از آلمان هستند. این موضوع میان مقام‌های دولتی آلمان نیز مورد اختلاف قرار دارد، هرچند که تلاش می‌شود سیاست واحدی روی دست گرفته شود. ایالت شلسویگ هولشتاین که در آن احزاب سوسیال دموکرات و سبزها حکومت می‌کنند، قبلاً اعلام کرده که برای مدت سه ماه اخراج پناهجویان رد شده افغان را متوقف می‌کنند تا وضعیت از نو بررسی گردد. هم‌چنین مقام‌های ایالت نوردراین ویستفالن نیز گفته‌اند که در دور سوم اخراج مهاجران افغان سهم نمی‌گیرند.

به گزارش دوپچه‌وله، توماس دیمیزیر، وزیر داخله آلمان از ایالت‌هایی که احزاب سوسیال دموکرات و سبزها در آن‌ها حکومت می‌کنند، به دلیل توقف اخراج پناهجویان افغان شدیداً انتقاد کرد.

دیمیزیر گفت این اقدام‌های ایالت‌ها به این دلیل او را ناراحت می‌کند که چند روز قبل در جلسه‌ای که با حضور صدر اعظم انگلا مرکل برگزار شد، نمایندگان ایالت‌ها گفتند که در مورد وضعیت افغانستان به بررسی حکومت فدرال آلمان اتکا می‌کنند.

ایالت‌ها و سازمان‌هایی که مخالف اخراج پناهجویان افغان اند، استدلال می‌کنند که افغانستان در جنگ با شورشیان قرار دارد و وضعیت این کشور برای بازگشت‌دادن مهاجران امن نیست. آن‌ها به آمار بلند تلفات ملکی و حوادث روزمره امنیتی اشاره می‌کنند.



چاپ یک صد و شصت عنوان کتاب داستان‌های کودکان در افغانستان

● ظفر شاه رویی

برای نخستین بار سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان در افغانستان، به منظور رشد مطالعه و ذهنیت‌بخشیدن به کودکان، ۱۶۰ عنوان کتاب داستان‌های کودکان را به زبان‌های دری و پشتو چاپ کرده است.

بهریر ویال مشاور تعلیم و تربیت سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان در افغانستان می‌گوید که این کتاب‌های داستانی برای چهار گروه سنی با هزینه دو میلیون یورو تألیف و نشر شده است. آقای ویال دیروز سه‌شنبه، سوم حوت، در مراسم رونمایی این کتاب‌های داستانی گفت که هشتاد عنوان آن به زبان دری و هشتاد عنوان دیگر به لسان پشتو برای چهار گروه سنی از چهار تا دوازده سال تألیف شده است. وی افزود: «اکثریت مطلق این کتاب‌ها داستانی‌اند و متناسب با رده سنی کودکان، این کتاب‌ها از لحاظ تخنیکي، محتوا، کلمات، جملات، استفاده لغات، ترکیب جملات، سادگی و مغلق بودن جملات و حتا حجم متن تقسیم شده‌اند. در مجموع حدود نیم میلیون جلد از این کتاب‌ها چاپ شده و به طور اوسط از هر جلد شش هزار کاپی شده و فعلاً در یازده ولایت در شش هزار موقعیت توزیع این کتاب‌ها جریان دارد.» به گفته آقای ویال، این کتاب‌ها به صورت رایگان در دسترس کودکان قرار می‌گیرند.

بهریر ویال می‌گوید که برنامه چاپ کتاب‌های داستان‌های کودکان نزدیک به دو سال قبل با راه‌اندازی پروژه «بیايد برای کودکان افغانستان بنویسم» از سوی سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان به منظور احیای فرهنگ از بین رفته مطالعه در میان کودکان و بلند بردن مهارت خواندن و نوشتن در میان کودکان آغاز شده بود. وی تأکید کرد که اکثریت نویسندگان این کتاب‌ها شهروندان خود افغانستان هستند. به گفته آقای ویال، داستان‌هایی که در قالب کتاب به چاپ رسیده‌اند، از مجموعه‌ای در حدود

تمامی داستان‌هایی که در این کتاب‌ها چاپ شده‌اند با نقاشی‌های مرتبط به متن همراه‌اند. به گفته بهیر ویال، این نقاشی‌ها می‌توانند برای کودکان ذهنیت‌فکر کردن ایجاد کنند. در همین حال، حلیم تنویر از مشاوران اطلاعات و فرهنگ، با ستایش از این اقدام سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان در چاپ و نشر کتاب‌های داستانی جدید برای کودکان در افغانستان، گفت که کودکان این کشور طی چهل سال گذشته از مطالعه و خواندن کتاب به دور مانده‌اند. او تأکید کرد که فرهنگ کودکان در این مدت سیاسی شد و والدین کودکان‌شان را به جناح‌هایی که وابسته بودند به همان سمت کشانند. آقای تنویر می‌گوید: «خود کودکان ما هم سیاسی شدند، جهت‌گیری کردند، پدر و مادر اگر به یک جناح [وابسته] بودند، به همان جناح پیوستند. وقتی که هم جوان شدند، بسیار به شکل بنیادی از همان اندیشه پدر و مادر خود دفاع و طرف مقابل را رد کردند. این باعث زدودن و از بین رفتن فرهنگ رشد و مثبت‌گرایی کودک شد. یعنی کودکان ما ناآگاهانه به سیاست‌های مقطعی پیوستند و این باعث زدودن ارزش‌ها هم شد.»

حلیم تنویر افزود برای این کودکان مثبت‌گرا شوند، والدین‌شان نباید دردها و شکایت‌های‌شان را به فرزندان‌شان انتقال دهند. به گفته او، این مسأله می‌تواند فرصت فکر کردن و مثبت‌گرایی را از کودکان بگیرد.

هم‌چنین سیداصغر حیدری رییس مرکز ساینس و تکنولوژی معلوماتی وزارت معارف نیز، می‌گوید که شهروندان افغانستان کم‌ترین مطالعه در بیست و چهار ساعت را دارند. آقای حیدری با استقبال از اقدام سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان، گفت که بر دولت افغانستان باید فشار وارد شود تا یک نهاد خاص را به منظور تقویت و رشد ادبیات کودکان ایجاد کند.

استفاده از این کتاب‌ها امید بدهیم. تقریباً تمام داستان‌ها در اطراف محبت، احترام به هم‌دیگر، هم‌زیستی، هم‌گرایی، پذیرش یک‌دیگر، تعاون و کمک به یک‌دیگر، استفاده خوب از محیط و توجه به محیط زیست، فضای صمیمیت در خانواده، احترام به والدین و امثال این‌ها می‌چرخد.»

از کسانی است که آن‌ها معلمی می‌کنند یا تدریس زبان را در مکاتب افغانستان به عهده دارند. مشاور تعلیم و تربیت سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان هم‌چنین افزود: «هدف کلی این پروژه هم این بوده که ما به نحوی بتوانیم برای کودکان الهام ببخشیم و با

سفونیم هزار داستان توسط کمیته ارزیابی متشکل از نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی انتخاب شده‌اند. وی گفت: «پنجاه عنوان این کتاب‌ها توسط نویسندگان افغان نوشته شده و ده عنوان آن اتفاقاً نوشته‌های خود کودکان است؛ کودکانی که هنوز هم به مکتب می‌روند. بیست عنوان دیگر هم

و زنان و خواهران ما برای حضور در جامعه، سهم در تصمیم‌گیری‌ها و اشتغال، با مشکلات فراوان روبه‌رو هستند.»

بر اساس گفته‌های وی، این تحقیق توسط سازمان زنان ملل متحد حمایت مالی شده است و در آن با ۸۷۹۷ نفر مصاحبه انجام شده است که از این میان ۷۳۳۹ نفر از ادارات دولتی، ۱۰۳۰ نفر از مؤسسات بزرگ خصوصی و ۴۲۸ نفر از ادارات غیرحکومتی بوده‌اند. این مصاحبه تمام ولایت‌های افغانستان را تحت پوشش قرار داده است.

در همین حال، احمدجان نعیم، معین مسلکی وزارت صحت عامه می‌گوید در بخش‌هایی هم نقش زنان بیشتر شده و نباید به میزان مشارکت زنان آن قدر هم بدبین بود. وی می‌گوید که زنان در سکتور صحت رشد خوبی داشته‌اند و به میزان قابل مشاهده‌ای در این سکتور نقش ایفا می‌کنند. او گفت که در انستیتوت‌های آموزش قابلیت‌ها و پرستاری، قابله‌ها صد درصد زنان‌اند و پرستارانی که تعلیم داده می‌شوند، ۷۵ درصدشان را بانوان شکل می‌دهند. او گفت: «در سال ۱۳۸۱، ۲۴ درصد کارمندان مراکز صحتی ما خانم‌ها بودند، اما حالا ۸۰ درصدشان خانم‌ها هستند.»

احمدجان نعیم می‌گوید که ۲۵۰۰ مرکز صحتی در سطح کشور ایجاد شده است که در هر یک آن، کم از کم یک زن برای رسیدگی به امور صحتی زنان استخدام شده است.

اما آن چه آقای نعیم قابل نگرانی خواند، تصمیم‌گیری زنان در سطح خانواده است. معین مسلکی وزارت صحت عامه گفت: «یکی از محدودیت‌هایی که بر زنان [تعیین‌شده] است سطح تصمیم‌گیری‌شان در خانواده است، تا زمانی که شوهر یا «خشو» برای خانم اجازه ندهد او نمی‌تواند که به مرکز صحتی برود و خدمات صحتی را استفاده کنند.»

او اضافه کرد که سواد داشتن زنان، به تصمیم‌گیری و صحت‌مندی مادران رابطه‌ی مستقیم دارد و بالا بردن سهم زنان در تصمیم‌گیری‌ها باید از سطح خانواده آغاز شود و به سطح بالاتر ادامه پیدا کند.

سهم‌دهی فعال زنان در تصمیم‌گیری‌ها عملاً کار انجام شود.

معین پالیسی وزارت امور زنان می‌گوید که این رقم باعث تشویش است. او گفت: «ما در ظرف سه سال، تنها توانسته‌ایم که ۱،۷ درصد رشد کنیم، یعنی در گذشته ۹ درصد بود و حالی هم شده ۱۰،۷ درصد که این دیگر دست‌آورد نیست.» خانم وردک گفت: «ارقامی که امروز از احصاییه مرکزی اعلان می‌شود، ۱۰،۷ درصد یعنی ما توانسته‌ایم که در ده سال، فقط ۱،۷ فی صد دست‌آورد داشته باشیم که این اصلاً دست‌آورد خوانده نمی‌شود. این رقم قابل تشویش است.»

وی می‌گوید: «درست است اقدام‌هایی صورت گرفته است، اما به اندازه‌ی لازم کار نشده است، به صورت نظام‌مند در تفکر جمعی مردم افغانستان حق کار برای زنان نهادینه نشده است و هنوز هم با وجودی که برخی پالیسی‌ها ایجاد شده، مردان با آزار و اذیت‌هایی که در برخی ادارات بر زنان روا می‌دارند، باعث می‌شوند که زنان کار خود را ترک کنند.»

سپوژمی وردک می‌گوید در صورتی که فرهنگ آزار و اذیت در ادارات وجود داشته باشد، نمی‌توان میزان مشارکت زنان را در تصمیم‌گیری‌ها افزایش داد.

خانم وردک علاوه کرد، باید گفت‌مان مشارکت زنان از سطح کار روی کاغذها، به سوی عملی‌کردن پالیسی‌ها و اصلاح پالیسی‌ها برده شود. او گفت: «پالیسی‌های خوب داریم، اما باید آن‌ها را عملی کنیم و در تطبیق‌شان کار کنیم.»

او افزود بیشترین ارقام مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در مرکز بوده و در ولایات و روستاها انتظار نمی‌رود که زنان در تصمیم‌گیری‌ها سهم داده شوند.

از سوی دیگر شیرمحمد جامی‌زاده سرپرست اداره‌ی مرکزی احصاییه می‌گوید که حکومت همواره تلاش کرده است که نقش زنان را در تصمیم‌گیری‌های اداری بیشتر بسازد، ولی برای ارزیابی نتایج عمل، اینک بعد از سه سال گزارشی دیگر در این مورد منتشر می‌شود. وی گفت: «هرچند باید این رقم بالا می‌بود، اما بر همه معلوم است که در ولایت‌های کشور امنیت نیست

سهم زنان در تصمیم‌گیری‌ها ۰٫۸ درصد رشد کرده است

● زینب فرهمند



زنان در تصمیم‌گیری‌ها انجام شده بود، ۹،۹ درصد مشارکت زنان را در سال ۱۳۹۲ نشان می‌داد و اینک این رقم به ۱۰،۷ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

سپوژمی وردک معین پالیسی وزارت امور زنان می‌گوید که این رقم رشد زنان در تصمیم‌گیری‌ها، چه در ادارات دولتی و چه در ادارات خصوصی و خانواده‌ها، ناامیدکننده است. وی گفت که وجود ارقام و اعداد برای آگاهی دقیق از چگونگی اوضاع کمک می‌کند و لازم است که برای

اداره‌ی احصاییه‌ی مرکزی و وزارت امور زنان، گزارشی را در مورد میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها ارایه کرده‌اند که نشان می‌دهد بانوان در تصمیم‌گیری‌های دولتی و خصوصی، خانوادگی به صورت مجموعی ۰٫۸ درصد رشد کرده‌اند. دور قبلی، که تحقیقی در مورد میزان مشارکت

بر اساس گفته‌های وی، این تحقیق توسط سازمان زنان ملل متحد حمایت مالی شده است و در آن با ۸۷۹۷ نفر مصاحبه انجام شده است که از این میان ۷۳۳۹ نفر از ادارات دولتی، ۱۰۳۰ نفر از مؤسسات بزرگ خصوصی و ۴۲۸ نفر از ادارات غیرحکومتی بوده‌اند. این مصاحبه تمام ولایت‌های افغانستان را تحت پوشش قرار داده است.



ایران در پی باج گیری از افغانستان است

● فریدون آژند

افغانستان در حال حاضر از چند بندر مهم آبی در همسایگی خود، مانند بندر کراچی در پاکستان و بندر عباس و چابهار در ایران برای پیشبرد تجارت خود استفاده می‌کند. در کنار آن، افغانستان در بیشتر پیمان‌ها و سیستم‌های ترانسپورتی بین‌المللی هم عضو است. «تراسیکا» هم یکی از همین سیستم‌های چند مدله (هوایی، زمینی و بحری) است که برای تسهیل تجارت و ترانزیت کالا میان کشورهای اروپایی و حوزه قفقاز و آسیای میانه و بحیره‌ی کسپین به وجود آمده است.

اجرای حکومت وحدت ملی به ایران داشت، مسأله‌ی الحاق افغانستان به کوریدور تراسیکا بار دیگر مطرح شد. ولی جانب ایران الحاق افغانستان به تراسیکا را به آغاز گفتگوها در مورد مسایل آبی میان دو کشور مشروط کرده است. یعنی ایران رسماً می‌خواهد از افغانستان باج بگیرد.

از سوی دیگر وزارت خارجه افغانستان بارها به سفارت ایران نامه‌نگاری کرده است تا مسأله الحاق افغانستان به کوریدور تراسیکا تکمیل شود. ولی هیچ گاهی از جانب ایران جوابی در این رابطه نیامده است. ایران به خوبی از وابستگی افغانستان به کوریدورهای ترانسپورتی و بندرهای آبی آگاه است. چون افغانستان محاط به خشکه است و نیاز دارد برای رونق تجارتش از بندرهای آبی و دهلیزهای ترانزیتی بین‌المللی استفاده کند، این مسأله باعث شده است تا ایران برای دسترسی افغانستان به این دهلیزها و بندرهای آبی از افغانستان، امتیازخواهی کند.

ایران که همیشه در دهل حُسن هم‌جواری و همسایگی و تاریخ مشترک و هویت مشترک با افغانستان می‌کوبد، حاضر نیست که حتا در راستای الحاق افغانستان به یک

افغانستان از شمار کشورهای محاط به خشکه است و به همین دلیل برای رشد اقتصادی خود، نیاز به بندرهای آبی دیگر کشورها دارد. معمولاً بر اساس فورمول‌های اقتصادی، کشورهای محاط به خشکه در حوزه فعالیت‌های تجاری همیشه با محدودیت‌هایی روبه‌رو اند و اقتصاد این کشورها نسبت به کشورهای دارای بندرهای آبی، همیشه ضعیف‌تر بوده است.

با این حال در قرن ۲۱ سیستم‌ها، پیمان‌ها، کوریدورها و کنوانسیون‌های متعددی وجود دارد که تا حدی نبود بندرهای مستقیم آبی را برای کشورهای محاط به خشکه جبران می‌کند.

افغانستان در حال حاضر از چند بندر مهم آبی در همسایگی خود، مانند بندر کراچی در پاکستان و بندر عباس و چابهار در ایران برای پیشبرد تجارت خود استفاده می‌کند. در کنار آن، افغانستان در بیشتر پیمان‌ها و سیستم‌های ترانسپورتی بین‌المللی هم عضو است. «تراسیکا» هم یکی از همین سیستم‌های چند مدله (هوایی، زمینی و بحری) است که برای تسهیل تجارت و ترانزیت کالا میان کشورهای اروپایی و حوزه‌ی

روسیه مانع حضور امریکا در کنفرانس صلح افغانستان و حامی طالبان

● نویسنده: اندرس کور
برگردان: بهار مهر
منبع: فوربس

روسیه دولت منتخب افغانستان را در عدم تمایل به مبارزه با دولت اسلامی بی‌اعتبار می‌کند. در کنفرانس ماه گذشته، روسیه صرفاً چین و پاکستان را دعوت کرده بود. دعوت نکردن اعضای ناتو، که در تلاش‌اند تا در افغانستان صلح، دموکراسی و حاکمیت قانون را حمایت کنند - توسط روسیه می‌تواند یک توهین تلقی شود، از آن‌جا که روسیه و متحدش (چین) هر دو مخالف نفوذ ایالات متحده در منطقه‌اند، شگفتی‌آور نیست. چنان که ایالات متحده و متحدانش از افغانستان عقب‌نشینی کنند، روسیه، چین، ایران و پاکستان تلاش خواهند کرد خلی قدرت را نه تنها با اتحاد طالبان در برابر دولت اسلامی (داعش) بلکه در برابر دولت منتخب و دموکراتیک فعلی افغانستان پُر کنند.

مانعت روسیه از اشتراک امریکا در کنفرانس صلح چهارشنبه هفته گذشته، شگفتی‌آور و جنجال‌برانگیز شد. فضای کنفرانس صلح مملو از اتهامات متقابل و آشکار بود، یک طرف روسیه، چین، پاکستان و ایران و در طرف دیگر افغانستان و هند قرار داشتند. پاکستان، ایران و روسیه از طالبان، سازمان شورشی‌ای که با استفاده از تاکتیک‌های هراس‌افگانه مکرراً ملکی‌ها را هدف قرار داده است، حمایت کرده‌اند. چین سال گذشته تماس‌های مستقیم با طالبان داشته است و اخیراً شماری از وسایل نظامی آن کشور در افغانستان نیز شناسایی شده است. روسیه می‌گوید که حمایت آن‌ها از طالبان برای مقابله با دولت اسلامی (داعش) است که دشمن خطرناک‌تر اند.

اما این گونه پشتی‌بانی، در واقع دولت موجود افغانستان و حامیان امریکایی آن را تضعیف می‌کند و به روسیه در منطقه، موکل جدیدی دست‌وپا می‌کند. ایالات متحده باید دوباره بسنجد که آیا می‌شود به روسیه به عنوان یک متحد مسوول در برابر تروریسم اعتماد کرد.

روسیه دولت منتخب افغانستان را در عدم تمایل به مبارزه با دولت اسلامی بی‌اعتبار می‌کند. در کنفرانس ماه گذشته، روسیه صرفاً چین و پاکستان را دعوت کرده بود. دعوت نکردن اعضای ناتو - که در تلاش‌اند تا در افغانستان صلح، دموکراسی و حاکمیت قانون را حمایت کنند - توسط روسیه می‌تواند یک توهین تلقی شود، از آن‌جا که روسیه و متحدش (چین) هر دو مخالف نفوذ ایالات متحده در منطقه‌اند، شگفتی‌آور نیست. چنان که ایالات متحده و متحدانش از افغانستان عقب‌نشینی کنند، روسیه، چین، ایران و پاکستان تلاش خواهند کرد خلی قدرت را نه تنها با اتحاد طالبان در برابر دولت اسلامی (داعش) بلکه در برابر دولت منتخب و دموکراتیک فعلی افغانستان پُر کنند. این عمل سبب نفوذ بیشتر طالبان بر کابل خواهد شد و حتا منجر به سقوط دولت



کوریدور ترانزیتی هم همکاری کند. در حالی که تمامی اعضای دهلیز ترانزیتی تراسیکا با عضویت افغانستان موافق‌اند، ولی ایران در این راستا سنگ‌اندازی می‌کند. مسلماً ایران تا زمانی که از افغانستان امتیازهای لازم را خصوصاً در عرصه منازعات آبی که با افغانستان ادعا دارد، نرسد هم‌چنان در عرصه‌ی الحاق افغانستان تأخیر ایجاد خواهد کرد. بناً بهتر است افغانستان نیز از گزینه‌های دست‌داشته برای زیر فشار قراردادن ایران استفاده کند.

بهترین گزینه در این رابطه، طرح تبدیل راه لاجورد است که می‌تواند افغانستان را از وابستگی صرف به ایران رها سازد. با ایجاد مسیر راه لاجورد، افغانستان هم از زیر فشار پاکستان که همیشه مسیرهای ترانزیتی خود را برای افغانستان سیاسی ساخته است، نجات می‌یابد و هم از فشارهای مختلف ایران برای امتیازگیری از افغانستان رها می‌شود. البته می‌توان از گزینه‌های دیگر نظیر بازبینی در قرارداد آب هیرمند میان افغانستان و ایران و تلاش برای سد زدن روی دریاها و هلمند و فراه‌رود و هریرود نیز استفاده کرد. تا حدافل کشور برادر و همسایه ما جمهوری اسلامی ایران بداند که افغانستان هم همیشه دست خالی نیست.

قفقاز و آسیای میانه و بحیره‌ی کسپین به وجود آمده است.

افغانستان از سال ۲۰۰۴ در پی پیوستن به این سیستم حمل‌ونقل می‌باشد. زیرا این سیستم در پی احیای یکی از مسیرهای ترانزیت تاریخی، یعنی راه ابریشم است. تلاش‌های افغانستان برای عضویت در سیستم تراسیکا، بالاخره نتیجه داد و همه کشورهای عضو این سیستم در یازدهمین اجلاس خود که در جنوری ۲۰۱۵ در استانبول دایر شد، به عضویت افغانستان رأی مثبت دادند. ایران نیز که عضو این سیستم است، پس از تأخیرهای فراوان، آخرین کشوری بود که با عضویت افغانستان در کوریدور تراسیکا موافقت کرد. اما با گذشت دو سال از آن زمان، تهران هنوز برای تکمیل عضویت افغانستان کارشکنی می‌کند. برای این که عضویت افغانستان در کوریدور تراسیکا از نگاه اداری تکمیل شود، ایران باید نامه‌ای از طریق وزارت خارجه‌اش به وزارت خارجه آذربایجان که سکرتریت تراسیکا در آن قرار دارد، بفرستد. ولی با گذشت حدود دو سال از این مسأله، هنوز ایران این نامه را به وزارت خارجه آذربایجان نفرستاده است.

در آخرین سفری که داکتر عبدالله عبدالله رییس



فرخنده؛ قربانی شکست دستگاه عدالت

گزارش مشترک مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک و روزنامه ۸ صبح

هرچند مقام‌های وزارت امور داخله، دو روز پس از این رویداد به رسانه‌ها گفتند که وظیفه‌ی دست کم ۱۸ تن از ماموران حوزه‌ی دوم پولیس از جمله آمر این حوزه تعلیق شده است و این افراد زیر تحقیق و بازپرس قرار دارند. اما یافته‌های تازه نشان می‌دهد که هم اکنون، هیچ یک از افراد پولیس متهم در این قضیه، در بازداشت و یا زندان نیستند.

خشمگین جسد فرخنده را به بستر خشک رودخانه کابل می‌اندازند و او را در آنجا آتش می‌زنند؛ در تمام این مدت پولیس نمی‌تواند اقدامی کند که جلو این فاجعه را بگیرد.

شهبلا فرید، عضو کمیسیون حقیقت‌یاب برای قضیه‌ی فرخنده، به این باور است که پولیس تحت تاثیر «آوازه‌ی سوزاندن قرآن» توسط فرخنده قرار گرفته و در ضمن آگاهی لازم از قانون، حقوق و وجایب شهروندان و نحوه برخورد مسلکی در یک چنین شرایطی را نداشته است.

براساس گزارش اعضای کمیسیون حقیقت‌یاب و انجمن مستقل وکلای مدافع، تاخیر در شناسایی و بازداشت متهمان از جانب پولیس سبب شده است تا تعدادی از این متهمان در داخل و یا خارج از کشور آزادانه زندگی کنند.

هرچند مقام‌های وزارت امور داخله، دو روز پس از این رویداد به رسانه‌ها گفتند که وظیفه‌ی دست کم ۱۸ تن از ماموران حوزه‌ی دوم پولیس از جمله آمر این حوزه تعلیق شده است و این افراد زیر تحقیق و بازپرس قرار دارند. اما یافته‌های تازه نشان می‌دهد که هم اکنون، هیچ یک از افراد پولیس متهم در این قضیه، در بازداشت و یا زندان نیستند.

لطفه سلطانی، مسوول بخش حمایت از حقوق زنان کمیسیون حقوق بشر، با اشاره به نوارهای ویدیویی از لحظه‌های لت و کوب فرخنده که در شبکه‌های اجتماعی نشر شده، می‌گوید که پولیس به جای نجات فرخنده، در نقش تماشاگر صحنه حضور داشته و قتل فرخنده نیز در حضورداشت افراد پولیس صورت گرفته است.

ساعت لت و کوب و دشنام و تحقیر، به قتل رساندند و آتش زدند. تصاویر ویدیویی گرفته شده توسط تلفون‌های موبایل نشان می‌دهد که پولیس در محل حضور دارد و به منظور نجات فرخنده حتما اقدام به شلیک هوایی نیز می‌کند، اما در نهایت زمانی که تعداد مردم بیشتر می‌گردد، پولیس فرخنده را به دست جمعیت خشمگین می‌سپارد و وضعیت از اداره خارج می‌شود. چرا پولیس ملی افغانستان نتوانست از فرخنده در برابر جمعیت خشمگین مردم حفاظت کند؟

ناتوانی پولیس



بربنیاد گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب، تنها سه سرباز پولیس که در لیسه‌ی افغان - تُرک، در نزدیکی زیارت وظیفه داشتند؛ در نخستین لحظه‌ی ماجرا به داخل زیارت می‌رسند و مردم را متفرق می‌سازند. پس از آن که یکی از این افراد پولیس به فرمانده تولی خود و حوزه‌ی دوم امنیتی پولیس حادثه را اطلاع می‌دهد؛ شمار افراد پولیس به هشت تن می‌رسند و وضعیت تحت اداره پولیس قرار می‌گیرد. در این جریان مسوولان عالی‌رتبه پولیس و قطعه واکنش سریع نیز در جریان قرار می‌گیرند، اما با گذشت قریب سه ساعت پولیس نمی‌تواند جمعیت مردم را متفرق بسازد و فرخنده را نجات بدهد. نهایتاً جمعیت

موسوم به شاه دوشمشیره در ناحیه‌ی دوم شهر کابل می‌رود. حوالی ساعت ۲:۳۰ پس از چاشت، مردی که درین زیارت تعویذنویسی می‌کرد، با آواز بلند و با نشان دادن کاغذهای سوخته به مردم خطاب می‌کند که: «یک زن در داخل زیارت، قرآن را آتش زده، بیایید خودش را آتش بزنید...!»



عکس‌ها و نوارهای تصویری نشان می‌دهند که در نخستین لحظه‌ها، فرخنده با چندین مرد خشمگین، استدلال می‌کند که قرآن را آتش نزده؛ اما شماری از مردان، با مشت، لگد، سنگ، چوب، آهن و اشیای دُور و برشان بر فرخنده حمله می‌کنند.

مفتی شمس‌الرحمان فروتن، عضو شورای سرتاسری علمای افغانستان می‌گوید: «کسی که به قرآن اهانت می‌کند، چه به وسیله‌ی گفتار، چه به وسیله‌ی نوشتار و چه به وسیله‌ی عمل فیزیکی، این شخص از نگاه شریعت اسلام، مرتد شده است. حکم شریعت اسلام در این مورد چنین است که تا سه روز باید به شخص مرتد، مُهلت داده شود تا از عمل خود توبه و ندامت کند.»

این عضو شورای علما می‌گوید که بر بنیاد احکام شریعت، اگر مرتد در این مدت توبه نکند، مورد مجازات قرار می‌گیرد. اما در مورد فرخنده او می‌افزاید: «هیچ کسی سوزاندن قرآن به دست فرخنده را ندیده و بعد ثابت هم شد که او بی‌گناه بود. احیاناً اگر فرخنده در محضرعام قرآن را آتش هم زده بود؛ مردم حتما حق دشنام دادن به او را نداشتند، تا چه رسد به لت و کوب و محکمه‌ی صحرايي. مردم به عوض لت و کوب باید او را به دست نظام و قانون می‌سپردند، تا از نظر قانون و شریعت اسلام مجازات می‌شد.»

اما در این قضیه مردم مستقیماً دخالت کردند و فرخنده را پس از نزدیک به سه

یافته‌های مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک و روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که از میان ۴۹ فرد متهم در قتل فرخنده، تنها ۱۱ تن در زندان اند که هیچ یک از افراد نظامی در میان آن‌ها نیست و هم‌چنین با وجود سپری شدن دو سال از این رویداد، دادگاه عالی نتوانسته این پرونده را نهایی سازد.

فشرده‌ی مهم‌ترین دریافته‌های این گزارش:

- طب عدلی نتوانسته دلیل اصلی مرگ فرخنده را تشخیص دهد؛
- از جمله ۱۸ فرد نظامی و ۳۱ فرد ملکی بازداشت شده به اتهام مرگ فرخنده، تنها ۱۱ فرد غیرنظامی در زندان به سر می‌برند و و دیگران بدون فیصله‌ی نهایی دادگاه عالی، رها شده و یا فراری‌اند؛
- هیچ فرد نظامی (پولیس) متهم در رویداد مرگ فرخنده، به کیفر نرسیده است؛
- با گذشت تقریباً دو سال از قتل فرخنده، حکم نهایی این پرونده، هنوز صادر نشده است؛

• دولت، خانواده‌ی فرخنده را به دلیل تهدیدهای احتمالی علیه جان‌شان، به بیرون از کشور فرستاده است؛

- دلیل اصلی شکست نهادهای عدلی و قضایی در تطبیق قانون، این پیش‌فرض بوده است که گویا فرخنده به قرآن کریم آتش زده است؛ این برداشت، تمام عملکرد پولیس، طب عدلی، سارنوالی، و محاکم سه‌گانه را تحت تاثیر خود قرار داده است؛
- این قضیه، در ابتدا زیر فشار افکار عامه با سرعت بی‌پیشینه در حال بررسی بود، اما پس از کاهش فشار افکار عامه، عدالت به فراموشی سپرده شد؛

به تاریخ ۲۸ ماه حوت ۱۳۹۳ فرخنده ملکزاده به اتهام آتش زدن به قرآن کریم، توسط جمعیت خشمگین به شکل فجیعی کشته شد. البته هیچ سندی که نشان دهنده‌ی آتش‌زدن قرآن توسط او باشد، به دست نیامده است و دادگاه او را بی‌گناه تشخیص داد. در این مدت، ۴۹ نفر به اتهام دخالت در قتل فرخنده بازداشت و محاکمه شده‌اند، اما برخی از فاعلین اصلی این جنایت تا هنوز بازداشت نشده‌اند. علت اصلی مرگ فرخنده روشن نیست و تا اکنون حکم قطعی دادگاه عالی در رابطه به این پرونده صادر نشده است. با توجه به این که ما در آستانه‌ی دوسالگی این حادثه قرار داریم؛ این گزارش نحوه‌ی برخورد و ظرفیت نهادهای عدلی و قضایی افغانستان را در رابطه به تطبیق عدالت در مورد فرخنده و اجرای قانون در این قضیه مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهد.

اتهام دروغین، مردم خشمگین

فرخنده که ۲۷ سال داشت، روز پنج‌شنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۳ خورشیدی به زیارت

خبرنگاران ما بارها تلاش کردند با فرمانده پولیس کابل در این مورد گفتگو کنند؛ اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند. سخنگوی فرمانده پولیس کابل، حین درخواست مصاحبه از سوی خبرنگار ما، گفت: «قومندان صاحب برای مصاحبه در این باره وقت ندارد...»

از برخورد پولیس نسبت به این قضیه چنین برداشت می‌شود که ظاهراً پولیس نمی‌دانسته است که براساس قانون اساسی افغانستان برائت ذمه حالت اصلی است و تا زمانی که فرد با حکم قطعی محکمه مجرم دانسته نشود، بی‌گناه است. آنچه در این قضیه بیشتر از همه تعجب‌آور است، ناآگاهی مقامات ارشد پولیس، به شمول فرمانده پولیس کابل از این اصول بنیادین قانون اساسی و قوانین جزایی کشور است. خانواده فرخنده، وکلای مدافع او، فعالین مدنی، کمیسیون حقوق بشر و اعضای کمیسیون حقیقت‌یاب به این باور هستند که علت اصلی کشته شدن فرخنده به دست جمعیت خشمگین، غفلت و ناآگاهی پولیس از قانون است. حتما خانواده فرخنده ادعا دارد که شخص فرمانده پولیس کابل، پس از مرگ فرخنده به خانواده‌ی او می‌گوید که باید بگویند فرخنده «بیماری روانی» داشته است. او هم‌چنان، به آنها دستور می‌دهد که کابل را ترک کنند، ورنه مانند دخترشان از سوی مردم کشته می‌شوند و پولیس توان حفاظت از آن را ندارد.

تغییر مسیر عدالت



در کنار پولیس، عملکرد دادستانی نیز نشان‌دهنده‌ی برخورد غیرحرفه‌ای در این قضیه است. دادستانی نتوانسته است در این قضیه مطابق به مواد ۱۹ و ۲۵ قانون اجراءات جزایی به منظور شناسایی هویت متهمان عمل کند. دادستانی به عوض این که از فناوری‌های پیشرفته برای شناسایی هویت متهمان استفاده کند، تنها به اظهارات متهمان در این قضیه بسنده کرده است. براساس قانون، دادستان موظف باید از محل رویداد واقعه دیدن می‌کرد و با مردمی که شاهد این اتفاق بودند، صحبت می‌کرد، یافته‌ها نشان می‌دهند که دادستانی این اجراءات را هرگز عملی نکرده است.

بربنیاد گزارش انجمن مستقل وکلای مدافع، تغییر وصف جرمی در جریان محکمه ابتداییه برای طرفین ابلاغ نشده و مُهلت برای ارائه دفاعیه نیز داده نشده است که با وجود نقض و تغییر ماده ۳۹۵ قانون اجراءات جزایی به ماده ۳۹۶ و ماده ۴۲ قانون جرایم عسکری به ماده ۴۳؛ دادستان تعقیبی مطابق قانون اعتراض نکرده است. عدم اعتراض دادستان تعقیبی در باره‌ی تغییر وصف جرمی افراد ملکی و نظامی متهم در قضیه از سوی محکمه‌ی استیناف، از دیگر تخطی‌های نهاد دادستانی در پیوند به این پرونده است. به همین ترتیب ماده ۵۱ قانون اجراءات جزایی دادستانی را موظف می‌سازد تا در همچو قضایا خواهان وضاحت از طب عدلی در مورد علت اصلی مرگ قربانی گردد و اما در این قضیه دادستانی هرگز طالب وضاحت در مورد علت مرگ فرخنده از طب عدلی نگردیده است.



صبح ۸

ضمیمه طنز روزنامه

دبیر بخش طنز: موسی ظفر ♦ صفحه آرا: غلامرضا مجیدی ♦ کاریکاتور است: عتیق الله شاهد

طبق یک نظرسنجی موثق در افغانستان صدفی صد کاربران فیسبوک خبرهای موثق نشر می‌کنند که از آن میان فقط دو درصدش راست است. این دست‌آورد موثق را به تمام شهروندان کشور تبریک عرض می‌نماییم.

facebook

سال اول ♦ شماره مسلسل ۲۴ ♦ چهارشنبه ۴ حوت ۱۳۹۵



لیست تروریست‌هایی که باید تحویل داده شوند



(بچه‌ها، من نام رییس‌جمهور اسبق پاکستان را خواسته بودم. این چیست؟... خوانندگان محترم شما این اسم را نادیده بگیرید. اشتباه شده.)

پرویز مشرف: رییس‌جمهور اسبق پاکستان، جنرال بازنشسته ارتش، مسوول کودتای نظامی ۱۹۹۹ و پدر معنوی القاعده و طالبان افغانستان. متهم به تشکیل، حمایت، تمویل و راهنمایی گروه طالبان، شبکه حقانی، شبکه منصور و هر نوع شبکه‌های تروریستی دیگر در منطقه، طراحی حملات بر پایگاه نیروهای افغانستان و نیروهای بین‌المللی مستقر در افغانستان، ترویج خشونت در منطقه و پناه دادن به اسامه بن لادن و ملا عمر در پایگاه نظامی پاکستان. سکونت فعلی، کراچی و دویی. علایم شناخت؛ قواره خشک جنگی، موهای جوگندمی با بروت شبیه ماین کنار جاده و چهره سیاه زافی.

گلبدین حکمتیار (مشهور به نسخه دوم نلسون ماندیلا، چاپ قصه‌خوانی بازار): رهبر حزب اسلامی، اولین انسان روی زمین که ناراض به دنیا آمده است، راکت‌پرداز و نویسنده و شاعر (به زغم خود، البته). متهم به قتل عام شهروندان کابل، قتل زنجیره‌ای روشن‌فکران پشتون در پاکستان و افغانستان، طراحی حملات متعدد انتحاری و از همه مهم‌تر نقد کتاب بسط تجربه نبوی داکتر عبدالکریم سروش. محل سکونت، پشاور و انقره. علایم شناخت، قواره دراز با کمبود ویتامین آ و ویتامین سی، آویزان بودن یک راکت و یک کلاشکف بجای دو دست، عینک ساخت جی اچ کیو راولپندی و...

(ببینید این اسم خیلی آشنا هست. نگفتم فقط لیست تروریستان پاکستانی را بدهید؟ شما چرا گپ را گوش نمی‌کنید؟ اففف)

حنا ربانی کهر: وزیر خارجه پیشین پاکستان، دختر غلام مصطفی کهر و جذاب‌ترین وزیر خارجه جهان بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳. متهم به هیچ. این خانم را تحویل دهید، خود ما بعداً برایش اتهام درست می‌کنیم. محل سکونت، اسلام آباد، خانه شماره ۲۰۷، منزل اول، اتاق سوم دست راست، روی میل، روبروی تلویزیون. (مجتبی هاشمی، یکی از همکاران ۸ شب سفارش کرده است که خانم حنا را طوری دستگیر کنید که اذیت نشود. لطفاً مراقب دل هاشمی عزیز باشید.)

الحاج ملا تره‌خیل: نماینده فعلی کوچی‌ها در ولسی‌جرگه افغانستان... (او برادر، این که تروریست نیست. من نگفتم فقط لیست تروریست‌ها را بدهید، نه از کسانی که موترهای پولیس را می‌سوزاند؟... خوانندگان محترم، همکاران ما در تهیه لیست خوب نیستند. لطفاً ببخشید.)

دولت پاکستان یک لیست مملو از تروریست را به افغانستان تسلیم نموده و فرمایش تسلیمی آنها را صادر کرده است. کسی که لیست را تسلیم شده یک بار به پاکستان نگفته، برادر، شما که ماشاالله هزاران هزار تروریست آموزش دیده و جان‌برکف دارید، با پنجاه-شصت تروریست دیگر می‌خواهید کدام کوه را چیه کنید؛ بگذارید این چند نفرش پیش ما باشد. در واکنش به لیست‌دهی پاکستان، افغانستان نیز لیستی از تروریست‌ها را به پاکستان داده و خواهان استرداد آنها به افغانستان شده. پاکستان هم نگفته، تو با تروریست‌هایی که در زندان‌های خودت بود چه کردی که حالا می‌خواهی با هشتاد تایی دیگر زمین را به آسمان بدوزی. اصل قضیه این است که هر دو طرف من‌باب شوخی تبادل لیست می‌کند. کسی که بخواهد جدی جدی سر تروریست را زیر بال‌اش کند، نیاز به وارد کردن آن از کشور همسایه ندارد. تروریست تولید داخلی در هر دو کشور به حد وفور یافت می‌شود.

حالا که تنور لیست‌دهی گرم است و این کار هیچ ضرری ندارد، همکاران ۸ شب نیز یک لیست از تروریست‌ها تهیه کرده و آن را به اختیار پاکستان قرار می‌دهد تا از قافله عقب نماند. همکاران هشت شب از دولت پاکستان می‌خواهد که تروریست‌های ذیل را تا شام روز پنجشنبه به ما تحویل دهد.

عمران خان: بازیکن سابق کرکت و رهبر حزب تحریک پاکستان، شوهر جمایماخان برای نه سال و شوهر ریحام‌خان برای نه شبانه روز. متهم به اعلان جهاد در افغانستان، حمایت مالی از مدرسه‌هایی که ترویج افراطیت می‌کنند و همکاری با شبکه‌های هراس‌افکن در خطوط مرزی پاکستان و افغانستان. سکونت فعلی، اسلام آباد. علایم شناخت؛ قد بلند، چهره بی‌نور، چشم‌های پف کرده با بلک لیبیل و جانی‌واکر و ناتوان جنسی.

مولانا فضل‌الرحمان (مشهور به مولانا دیزل): رهبر جمعیت علمای اسلام، مفتی رسمی ارتش پاکستان و رهبر روحانی فرقه هیرامندیه. متهم به کودک‌آزاری در مدرسه‌های پاکستان، جعل حدیث به نفع آی‌اس‌آی، اعلان جهاد در افغانستان، همکاری نزدیک با شبکه حقانی، تحریک طالبان و القاعده. سکونت فعلی، لاهور و اسلام آباد. علایم شناخت؛ لنگی زرد با قواره «پگی» در کارتون Angry Bird و صدوهفتاد کیلو وزن.

حامد کرزی: رییس‌جمهور پیشین افغانستان و برادر طالبان ناراض. متهم به رهایی بیش از هزار تروریست از زندان‌های افغانستان، توزیع پول به دکانداران شهر کوپته، نشر اکاذب و ترویج فساد. سکونت فعلی، کابل...



دروازه‌دار را یک دروازه، بی‌دروازه را صد دروازه

Roghan AF 12:01 AM 100% battery

Emperor Online Me, Excavator Online

تبریک باشد آقای امپراطور. حکم تقرر دوباره شما امضا شد.

تشکر آقای اسکواتور. امضای این حکم مشت محکمی بود به دهن کسانی که خواب برکناری مرا می‌دیدند.

حقا که چنین است. مرگ بر دشمنان شما.

ولی اسکواتور! فکر نمی‌کنی بیست سال والی بودن کمی زیاد است؟

خواهش می‌کنم اعلی‌حضرت. فریدریش نیچه ۵۶ سال عمر کرد، اپیکور که با کمال وقاحت پایه‌گذار «اپیکوریسم» بود ۷۱ سال عمر کرد، هرمارخوس و امیدوکلس و امیل دورکهایم و سورن کیرکگارد هم خیلی عمر کردند. بیست سال چیست؟

از این چیزهای که نوشتی یک قسمت‌اش دشنام نیست؟

اعلی‌حضرت، این‌ها فیلسوف بودند.

خوب گمش کن. به نظر خود من بیست سال ولایت خیلی زیاد است.

بله صاحب، بیست سال خیلی زیاد است. ارنست مارخ و بارون هولباخ معتقد بودند که ولایت فقط برای ده سال خوب است. البته نظر یوهان گوتلیب فیخته چیزی دیگر بود، ولی مهم نیست. نظر خود شما درست است.

آقای اسکواتور، من یک چیز را نفهمیدم. بالاخره بیست سال ولایت از دید فیلسوفان خوب است یا بد؟

آقای شهرآفرین، مرا چیزی گفتن که شما را خوش آید، نه فلسفه را.

Type a message ...

برگزاری نخستین جشنواره شعر امروز افغانستان در کابل



حسین حیدری

نخستین جشنواره شعر امروز افغانستان با حضور دانشجویان، استادان، شاعران و ادیبان، دیروز سه‌شنبه سوم حوت در دانشگاه کابل برگزار شد. سیدرضا محمدی، مسوول برگزاری این جشنواره، برگزاری جشنواره شعر امروز افغانستان را یک ضرورت دانست و گفت: «سال‌های سال، متأسفانه به علت جنگ و تبعات بعد از جنگ، شاعران ما و فضای ادبی ما از هم گسسته بود. شاعران در یک گوشه جا گرفته بودند، می‌شود گفت در سال‌های اخیر هم‌دیگر خود را نمی‌شناختند. بسیار ضروری بود که شاعران بعد از مدت‌ها که از جاهای مختلف افغانستان اند، هم‌دیگر خود را بشناسند.»

او گفت: «متأسفانه به خاطر درهم‌ریختگی و آشفتگی اجتماعی، ذوق عمومی مردم هم تغییر کرده بود. شعرهایی که عوام‌زده بودند، تقریباً تبدیل شده بود به شعر رسمی افغانستان. [برگزاری جشنواره شعر امروز افغانستان] ضرورت به خاطر این بود که یک‌بار شناسنده شود که «شعر درست افغانستان» چگونه است و این که این شعر چرا در حاشیه مانده و شعر عوام‌زده جایش را گرفته است.»

آقای محمدی، مسوول اتحادیه نویسندگان هم‌چنان گفت قراردادی که با کشورهای دیگر داشتیم، یک گروه شاعرانی که در دهه اخیر خوب بودند، باید همین‌ها انتخاب می‌شدند و در خارج از کشور هنر نمایی بکنند. در همین حال قنبرعلی تابش، شاعر و استاد دانشگاه برگزاری چنین برنامه‌ها را در راستای تشویق جوانان و توجه به شاعران و ادیبان، مفید خوانده می‌گوید: «متأسفانه نهادهای رسمی و حکومتی که متولی این اموراند به شعر و ادبیات و به صورت کلی به فرهنگ توجه ندارند.»

او گفت: «نهادی که توجه به فرهنگ و ادب بکند، وزارت اطلاعات و فرهنگ است، که متأسفانه این وزارت هیچ برنامه‌ای برای رشد و شکوفایی فرهنگ و ادبیات ما ندارد و کاملاً فرهنگ و ادبیات ما را هلاک کرده است.»

آقای تابش گفت: «ما تا زمانی که یک استراتژی منظم از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ نداشته باشیم که جهت‌دهی کند افکار عمومی را، جوانان خود را، ادیبان خود را، در راستای هم‌گرایی ملی، ترویج و فرهنگ اصیل وطنی، طبیعتاً انتظار برآیند خوب و مثبتی را هم [باید] نداشته باشیم.»

در این جشنواره که از سوی اتحادیه نویسندگان افغانستان برگزار شده بود، برای ده شاعر جوان «تندیس جشنواره شعر امروز افغانستان» اهدا شد. گزینش این ده شاعر، بیش از سه ماه را در بر گرفته است و مسوولان اتحادیه نویسندگان، روند گزینش را شفاف خواندند.

رضا محمدی می‌گوید که از طریق رسانه‌ها به شاعران فراخوان اشتراک را داده شده بود و یک‌بخش عمده از شعر افغانستان را پوشش داده‌اند. او گفت: «داوران مراعات‌های قومی و نژادی را در نظر نگرفته و ادبیات را اصل گرفتیم.»

در همین حال اما استاد تابش می‌گوید: «بعضی دوستان از شفافیت قضیه [جشنواره] خیلی راضی نبودند، یعنی کاملاً شفاف نیست، اما در کل می‌توانست شفاف‌تر باشد.»

وی گفت که طبیعتاً [برنامه‌ها] خالی از مشکلات و کاستی‌ها نیست و امیدوار است که روز به روز با تجربه‌هایی که کسب می‌کنند، نواقص این برنامه‌ها را از میان بردارند و به بالندگی و شکوفایی این جشنواره‌ها بیفزایند.

«من هم در میان شما آشنا دارم. پسر کاکایم نفر ملا یاسین است. یک سال می‌شود که تفنگ او را در شانه دارد. مادرش از صبح تا شام ضجه و ناله دارد و برای او دعا می‌کند. از صبح تا شام نگاه به دروازه دارد که فرزندش برگردد... خوب شد تفنگ من صدا نکرد، شاید او در دم تفنگ من برابر شده بود و کشته شده بود. چه می‌دانم، در جنگ حلوا بخش نمی‌کنند.» (صفحه ۱۹)

خلیل احمد عرب

شخصیت‌ها نام‌های قلمبه‌سلمبه ندارند. او با شناختی که از جامعه‌اش دارد نام‌هایی انتخاب می‌کند که خیلی با فضا، جایگاه اجتماعی پرسوناژ و نوع قصه هم‌خوانی دارد و خواننده زود با آن‌ها انس می‌گیرد و با کنش‌ها و حوادثی که می‌آفرینند، علاقمند می‌شود.

در «بوی بهی» سیامک هروی، تابوی روابط جنسی نیز شکسته می‌شود و در این مجموعه در چند قسمت به تفصیل به آن پرداخته می‌شود. خواه این رابطه جنسی صحنه به تصویر کشیدن «خانه‌داری» یک زوج جوان (دلی که ریس ریس شد) باشد، خواه خواب و خیال یک نوجوان شهوت‌زده (ستواری که دود شد) و خواه خیانت یک زن شوهردار (سایه لرزان)، به هر صورت این نکته از دیگر بدعت‌شکنی‌های این مجموعه است. شاید کمتر نویسنده‌ای تا جایی که من سراغ دارم، با چنین برهنگی و صراحتی در مورد مسایل جنسی نوشته باشد. به چند نمونه ذیل توجه کنید:

«پری لبخند زد و نازکنان انگشتش را به علامت «نی» تکان داد و بعد پیراهن نازکش [را] از تن کند و دور انداخت... ها موسی ببوس! من از تو هستم، این تن از توست، ببوس و مرا از خود بی‌خود کن!...» (صفحه ۶۹-۷۰)

«شیرین ناگهان دست بر زیر گردن او برد و سر او را بالا کرد و دیوانه‌وار شروع به بوسیدن کرد. گونه و بعد لب‌های او را بوسید و بعد به گردن و سینه او پایین آمد. شیرین شهوانی و شهوانی‌تر می‌شد...» (صفحه ۱۴۷)

در «بوی بهی» مثل بیشتر کتاب‌های چاپ شده در کابل، چند نادرستی نوشتاری کوچک و غیر ملموس که شاید هنگام تایپ رخ داده باشد، به چشم می‌خورد که این به نوبه‌ی خود مشکل کمبود ویراستار را در چاپ و نشر کتاب در افغانستان به ما یادآوری و گوش‌زد می‌کند. امیدوارم این اشتباهات هر چند کوچک، در چاپ‌های بعدی برطرف گردد.

آقای سیامک هروی در کنار مجموعه‌ی داستان «بوی بهی» آثار دیگری از جمله «مرغ تخم طلائی» (مجموعه قصه‌های فولکلور) که زیر عنوان «زرین تاج دختر بابه خارکش» نیز به چاپ رسیده است، «مردم‌های عصبانی» (مجموعه طنز)، و شش رمان به نام‌های: «اشک‌های تورتو در پای درخت انار»، «گرگ‌های دوند»، «سرزمین جمیله»، «تالان»، «گرداب سیاه» و «بازگشت هابیل» را تا به حال منتشر کرده است.

خواندن «بوی بهی» را به تمامی علاقه‌مندان داستان توصیه می‌کنم.

مشخصات کتاب

نام اثر: «بوی بهی» مجموعه داستان‌های کوتاه
نویسنده: سیامک هروی (احمد ضیا)
ناشر: نشر زریاب، چاپ نخست، زمستان ۱۳۹۵
قطع کتاب: قطع رقیعی
تعداد صفحات: ۱۷۶
طرح روی جلد: هروی
برگ‌آرا: ا. اندرابی
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
بها: ۱۲۰

نهایی بهی بوی بهی

بوی بهی

احمدضیا سیامک هروی



جلب کرد و در کانون‌های ادبی فرهنگی و در شبکه‌های اجتماعی از آن استقبال زیادی صورت گرفت.

از نقطه نظر موضوع، به جز «داستان یک داستان» که تمی سورئالیستی دارد، دیگر داستان‌های «بوی بهی» منعکس‌کننده‌ی موضوعاتی‌اند که خواننده افغان با آن‌ها به خوبی آشنا است. به نظر نویسنده این چند سطر، در کنار ارزش ادبی داستان‌های این مجموعه، بایستی به ارزش جامعه‌شناختی این داستان‌ها نیز درنگ کرد. اکثریت این داستان‌ها می‌تواند مدرک مناسبی برای کسانی باشد که به جامعه‌شناسی ادبیات داستانی افغانستان علاقه‌مند بوده، می‌خواهند در این باره تحقیق کنند. ازدواج اجباری (داستان‌های «بود و نبود» و «نیمه‌ی گم‌شده»)، چند همسری (داستان‌های «بود و نبود» و «دلی که ریس ریس شد»)، عشق (داستان‌های «بوی بهی» و «نیمه‌ی گم‌شده»)، خیانت و خشونت (داستان «سرخ و سفید»)، آمیختن عشق و هوس (داستان‌های «ستواری که دود شد» و «سایه لرزان»)، رابطه انسان و حیوان (داستان‌های «بود و نبود» و «سرخ و سفید»)، پیچیدگی جنگ

کاکا که یکی برای طالبان و دیگری برای دولت تفنگ برداشته و می‌جنگند در داستان «اگر تفنگ من صدا کرده بود» این‌ها تنها دغدغه نویسنده نه، بلکه از دغدغه‌های روزمره شهروندان افغانستان است که چهل سال می‌شود جنگ را می‌بینند، تجربه می‌کنند، می‌نالند و حسرت داشتن زندگی‌ای در صلح و آرامش را می‌کشند.

هفته‌ی پیش کتاب «بوی بهی» نوشته‌ی احمدضیا سیامک هروی که به تازگی توسط نشر زریاب در کابل به چاپ رسیده است، به دستم رسید.

با چاپ «بوی بهی» آثار این نویسنده به ۹ جلد می‌رسد. به سادگی می‌توان گفت که احمدضیا سیامک هروی یکی از پرکارترین نویسندگان افغانستان است و در حلقه دوست‌داران ادبیات معاصر به خصوص ادبیات داستانی کشور ما از اهمیت و احترام خاصی برخوردار است. کمتر کسی را می‌توان دید که به کتاب خوانی، داستان و ادبیات علاقه داشته باشد و کارهای سیامک هروی را نخوانده باشد و از آن‌ها لذت نبرده باشد.

«بوی بهی» یک بار دیگر نشان داد که احمدضیا سیامک هروی نه تنها رمان‌نویس خوبی است، بلکه از عهده نوشتن داستان کوتاه که کار سخت‌تری است، نیز به خوبی بدر می‌آید. شاید در نخست چنین به نظر آید که سیامک هروی با این کار خواسته بخت و اقبال خود را در نوشتن داستان کوتاه نیز بیازماید، اما در واقع می‌توان گفت او با این کار به دنبال چیزی فراتر از یک نوع آزمایش در نویسندگی است. برای نویسنده‌ای چون هروی، داستان کوتاه فرصت و مجال خلق آثار زیادی را با بن‌مایه‌ی اجتماعی فراهم می‌سازد. علاقه‌مندان رمان و داستان که اخیراً از برنده‌شدن رمان «گرگ‌های دوند» سیامک هروی در نهمین دور جایزه ادبی جلال‌آل احمد آگاه شدند، انتظار داشتند از این نویسنده اثر تازه و متفاوتی بخوانند. «بوی بهی» که چند روزی بعد از اعلام این جایزه به نشر رسید، توجه زیادی را به خود

ناکارایی طب عدلی

اسناد و اظهار نظر مسوولان طب عدلی به ریاست تحقیقات جرایم جنایی فرماندهی پولیس کابل در پیوند به چگونگی مرگ فرخنده، نشان می‌دهد که معاینه‌ی ظاهری جسد به ساعت ۹:۳۰ شب ۲۸ بر ۲۹ حوت ۱۳۹۳ توسط داکتران طب عدلی و اعضای فنی صورت گرفته و در پایان آنها چنین نظر داده اند:

«تروماتیک شک به احتمال قوی مرگ متوفی را به وجود آورده و بعد از حصول مرگ، جسد متوفی معروض به سوختگی گردیده است. هم‌چنان بنا بر پیشرفت سوختگی و معدوم شدن تغییرات مقدم میتی، نمی‌توان در مورد مدت مرگ، ابراز نظر نمود.»

اما وکلای مدافع خانواده‌ی فرخنده که برای تعقیب حق‌العبدی موضوع در محاکم سه‌گانه تعیین و مقرر شده‌اند، این نظر را غیرمسلکی دانسته و می‌گویند که از یک سو در نظریه‌ی طب عدلی «احتمال و تناقض» وجود دارد که در علم طب پذیرفتنی نیست و نتوانسته‌اند علت اصلی مرگ را پیدا کنند، و از سوی دیگر، معاینه‌ی جسد نیز، برخلاف ماده‌ی ۵۰ قانون جزا، در نبود پولیس و سارنوال صورت گرفته است.

نجلا راحل، وکیل مدافع پرونده‌ی فرخنده به نقل از مؤکل خود- خالد خواهر فرخنده- می‌گوید که جسد فرخنده تا دو روز بیرون از سردخانه در دهلیز ساختمان طب عدلی گذاشته شده بود. بر بنیاد گفته‌های خانم راحل، تثبیت و تعیین علت مرگ پیش از آتش‌سوزی یا پس از آتش‌سوزی می‌توانست در امر اتخاذ تصمیم برای چگونگی مجازات عاملین قتل، خیلی مفید واقع شود؛ اما عدم اطلاع کافی از دلیل اصلی مرگ، اجراء سارنوالی و محاکم را دچار مشکل ساخته است. با وجود این نقض آشکار در نظر طب عدلی، سارنوال موظف خواهان وضاحت در این مورد نشده است که خود تخلف دیگر در عملکرد سارنوالی است.

دل آقا محبوبی، معاون ریاست خدمات طب عدلی در گفتگو از ارایه‌ی اسناد ثبت و راجستر جسد فرخنده، به دلیل محرمیت آرشیف این نهاد، خودداری کرد. اما هرگونه تأخیر و برخورد تبعیض‌آمیز و غیرقانونی توسط مسوولان این نهاد در برابر قضیه‌ی فرخنده را رد می‌کند.

آنچه که واضح است این است که طب عدلی نتوانسته علت اصلی مرگ را تشخیص دهد. این ابهام سبب عدم تشخیص عامل اصلی قتل شده و محاکم را حین صدور حکم دچار مشکل ساخته است. یعنی، معلوم نیست فعل کدام یک از افراد دخیل در قضیه، سبب اصلی مرگ فرخنده شده است. آیا لت و کوب سبب مرگ شده، یا گذراندن موتر از بالای فرخنده، یا کوبیدن



فرخنده؛ قربانی شکست دستگاه عدالت

زن‌ستیزی از این فضا برچیده نشده و یکی از موانع اصلی به عدالت نرسیدن قضیه فرخنده نیز، همین پدیده‌ی زن‌ستیزی است.

از سویی هم، کمیسیون مستقل حقوق بشر و انجمن وکلای مدافع به این باور اند که واکنش‌های داخلی و خارجی در نخستین روزهای پس از رویداد، سبب شد تا نهادهای اجرایی و قضایی دولت به پیگیری قضیه و پرونده‌های جرمی دستم ۴۹ متهم برخلاف قانون سرعت ببخشند که این سرعت، باعث فروکاستن واکنش‌های داخلی و جهانی شده و پس از فیصله‌ی دادگاه استیناف، این روند به دلایل نامعلومی به دست فراموشی سپرده شد. عدم پاسخگویی پولیس، دادستانی و محکمه در رابطه به این قضیه نشان



می‌دهد که هنوز هم از دید آنها این قضیه یک حادثه بحث‌برانگیز و حساس است که نباید در موردش با رسانه‌ها صحبت کرد. شهبلا فرید، حقوقدان و یکی از اعضای کمیسیون حقیقت‌یاب پرونده‌ی قتل فرخنده، دلیل سانسور اطلاعات از جانب نهادهای عدلی و قضایی در مورد این پرونده را برخورد غیرمسلکی و غیرعادلانه‌ی نهادهای پولیس، دادستانی و دادگاه‌های سه‌گانه در پیوند به این قضیه می‌داند.

به گفته‌ی وی، هر سه نهاد پولیس، سارنوالی و محاکم تا هنوز ثابت کرده نتوانسته‌اند که فرخنده به دست چه کسی کشته شد؟ آیا فرخنده با ضرب سنگ بر سرش جان باخت؟ آیا فرخنده زیر تیر موتی جان باخت؟ آیا فرخنده را زنده آتش زدند و سپس جان باخت؟ خانم فرید، نبود پاسخ برای این سوال‌ها و در کل برخورد نهادهای عدلی و قضایی در پیوند به پرونده‌ی فرخنده را نمونه‌ی آشکار شکست دستگاه عدالت در کشور می‌داند.

فرخنده، شاید یکی از صدها و حتا هزاران قربانی باشد که با بی‌رحمی تمام به قتل رسید، و تا کنون که دو سال از مرگ او می‌گذرد، برخی از کسانی که در این جنایت دست داشتند، توانسته‌اند از چنگ عدالت فرار کنند. در حالی که قضیه‌ی



فرخنده مورد توجه فراوان قرار داشت و از سوی رسانه‌ها دنبال می‌شد، بررسی آن این همه خلا داشته است، معلوم نیست در مورد قضیه‌هایی که از سوی رسانه‌ها پوشش نمی‌یابند و مورد توجه قرار نمی‌گیرند، نهادهای عدلی و قضایی چگونه برخورد می‌کنند.

رییس دفتر اداری قوه قضاییه، گفت: «درخواست تان را به قاضی‌القضات صاحب رساندیم، گفتن با این موضوع (فرخنده) موافقه نکنید...»

دادگاه سوم این قضیه در ماه حوت سال ۱۳۹۴ بدون حضورداشت وکیل مدافع و اعضای خانواده‌ی فرخنده، برگزار شد. بر بنیاد اظهارات وکیل مدافع این پرونده، پس از حکم نهایی دادگاه عالی در مورد ۱۱ متهم ملکی که اکنون زندانی‌اند، پرونده به دلیل عدم وضاحت در وصف جرمی برخی از افراد ملکی و نظامی و هم‌چنان تعقیب عدلی و قضایی متهمان فراری، دوباره به دادگاه استیناف فرستاده شد؛ اما پس از بازنگری دادگاه استیناف و دادستانی، پرونده‌ی فرخنده سه ماه پیش دوباره به دادگاه عالی فرستاده شده و تا اکنون بدون فیصله‌ی نهایی و بی



سرنوشت، باقی مانده است. نجلا راحل وکیل مدافع خانواده‌ی فرخنده می‌گوید که دادگاه اول و دوم بدون حضورداشت موکلانش فیصله نموده و دادگاه سوم نیز، حق اشتراک وکیل مدافع و اعضای خانواده‌ی فرخنده را در جریان محاکمه سلب کرده و تا هنوز به اعتراض و درخواست آنها، پاسخ نداده‌اند. وکلای مدافع خانواده‌ی فرخنده، از عملکرد و فیصله‌های هر سه دادگاه رضایت ندارند.

سپوژمی وردک معین وزارت امور زنان، از نفوذ و دخالت برخی از زورمندان در نهادهای اجرایی و قضایی دولت در پیوند به این قضیه سخن می‌زند؛ اما از فرد یا گروه خاصی نام نمی‌برد. این مقام وزارت امور زنان می‌پذیرد که باوجود همه پیشرفت‌ها و دست‌آوردها در امور مشارکت و آزادی‌های حقوقی و مدنی زنان در این کشور، هنوز حاکمیت مردسالاری و

برگزار کرده و در غیاب‌شان فیصله کرده است.

مشکل دیگر در اجراءات محکمه‌ی استیناف، عدم ابلاغ تغییر وصف جرمی افراد ملکی و نظامی دخیل در قضیه به طرفین دعوی است. وصف جرمی افراد پولیس از «عدم استفاده از صلاحیت وظیفه‌ای» به «غفلت وظیفه‌ای» مطابق ماده‌ی ۴۳ قانون جرایم عسکری تغییر یافته است. اما محکمه نه تنها تغییر وصف جرمی را ابلاغ نکرده، بلکه در این مورد خاص، برای طرفین دعوی فرصت دفاع نیز داده نشده است.

فیصله‌ی دادگاه استیناف، نه تنها برائت همه‌ی افراد نظامی متهم در این قضیه را به همراه داشته، بلکه در برابر متهمان ملکی نیز برخلاف ماده‌ی ۳۹۵ قانون جزای کشور فیصله صورت گرفته است. با وجود این کاستی‌ها، پرونده‌ی فرخنده در ماه حوت سال ۱۳۹۴ به دادگاه عالی کشور محول گردید.

در حالی که هیچ فرد نظامی (پولیس) و چندین متهم اصلی در رویداد مرگ فرخنده به کیفر نرسیده؛ دادگاه عالی کشور با گذشت تقریباً دو سال از قتل فرخنده، حاضر به اطلاع‌رسانی قانونی و پاسخ‌دهی نیست.

پیک در این مدت، بارها تلاش کرد که با یکی از اعضای دادگاه عالی در پیوند با پرونده‌ی فرخنده گفتگو کند و دلایل تأخیر در فیصله‌ی نهایی قضیه را جویا شود؛ اما نه تنها که هیچ یک از این مقام‌ها، حاضر به گفتگو نشدند، بلکه در آخرین تماس تلفیونی با این نهاد، عبدالصیر مستغفر،

سنگ بزرگ بر سر او، ویا آتش زدن او؟ فاعل کدام یک از این‌ها قاتل اصلی است؟ این سوال بی پاسخ مانده است.

نقض قانون از سوی دادگاه‌ها

پرونده‌ی قتل فرخنده به تاریخ ۱۶/۲/۱۳۹۴ پس از روزها تأخیر در بازداشت پولیس و تعقیب و تحقیق عدلی دادستان‌ها، با معرفی ۱۸ فرد متهم نظامی و ۳۱ فرد متهم ملکی به دیوان جرایم امنیت داخلی و خارجی محکمه ابتدایی‌ی حوزه‌ی سوم شهر کابل محول گردید.

این دادگاه، از جمله چهار فرد ملکی هریک ذین‌العابدین، محمد یعقوب، شریف‌الله و عبدالشیر را با نظرداشت وصف جرمی‌شان به اشد مجازات یعنی اعدام، محکوم کرد.

هشت تن دیگر از متهمان ملکی هر یک محکوم به ۱۶ سال حبس تنفیذی شده و متباقی برائت یافته‌اند. هم‌چنان چهار تن از متهمان نظامی (پولیس) هریک محکوم به یک سال حبس تنفیذی شده و پس از مدتی، بدون تکمیل یک سال زندان، آزاد شده‌اند.

انجمن وکلای مدافع می‌گوید که جلسه‌ی این دادگاه در عدم حضور اعضای خانواده‌ی فرخنده و یا وکیل مدافع آنها برگزار شده و این عملکرد دادگاه نقض آشکار ماده‌ی ۲۰۷ قانون جزای کشور است.

اعتراض دیگر نهادهای مدافع حقوق بشر، کمیسیون حقیقت‌یاب و انجمن وکلای مدافع، این است که در نخستین روزهای دادخواهی و خبرساز شدن قضیه در سراسرجهان، دستگاه قضایی چگونه توانست با چنان سرعت، پرونده‌ی به حجم ۱۸۰۰ صفحه را توسط سه عضو دادگاه در چهار روز کاری بررسی و فیصله کند؟ اما حالا باگذشت تقریباً دو سال نتوانسته فیصله‌ی نهایی قضیه را صادر کند؟

اسناد موجود نشان می‌دهد که جلسه‌ی قضایی ۹/۴/۱۳۹۴ دیوان جرایم امنیت داخلی و خارجی دادگاه استیناف کابل، حکم اعدام چهار تن را نقض کرده و در جزای سایر متهم‌ها نیز تخفیف آورده است. وکیل مدافع و خانواده‌ی فرخنده مدعی‌اند که دادگاه استیناف نیز، جلسه‌ی قضایی خود را بدون اطلاع و حضور آنها

فهرست متهمان پرونده‌ی قتل فرخنده						
اسم	تاریخ وید	سن	شغل	سکونت اصلی		
				قریه	ولسوالی	ولایت
زین‌العابدین گلپین	۵۷	۵۷	خادم مسجد	اشر شهر	غوربند	پردان
محمد یعقوب محمد یاسین	۲۰	۲۰	شاگرد نوکان		کابل	کابل
شرف‌الله شرف‌دین	۲۲	۲۲	ممنین لیلیه		پردان	پردان
شرف‌الله شرف‌دین	۲۲	۲۲	ممنین لیلیه		پردان	پردان
شرف‌الله شرف‌دین	۲۲	۲۲	ممنین لیلیه		پردان	پردان

کار یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های بازسازی غور در خطر متوقف شدن

● وحید پیمان

عبدالصمیر قادری معاون شورای ولایتی غور می‌گوید: «وزارت انرژی و آب کشور قرارداد ساخت این بند برق را با یک شرکت روسی به نام «روس الکترو» امضا کرده بود و این شرکت نیز اجرای آن را به یک شرکت افغانی به نام شاهین افغان سپرده بود.» به بیان او، شرکت شاهین افغان کار ساخت این بند را نزدیک به دو سال است که آغاز کرده و در این مدت هفت میلیون دالر را به مصرف رسانده، اما بخش ناچیزی از این طرح را پیش برده است.

از سویی هم برخی از منابع تاکید می‌کنند که شرکت قبلی (شاهین افغان) که مسوولیت اجرای این طرح را برعهده داشت با نفوذ خود از ادامه ساخت آن جلوگیری می‌کند.

با این که نگرانی زیادی در غور از بابت توقف کار بند برق پروژه لیج وجود دارد و وزیر انرژی و آب هم وعده رفع موانع سر راه ساخت آن را داده بود، اما هنوز زمینه آغاز به کار شرکت جدید فراهم نشده است. در صورت ادامه این روند امکان دارد تا مردم فیروزکوه اعتراض‌های گسترده‌ای را در این راستا به راه اندازند. موضوع بند برق پروژه لیج که یک پروژه حیاتی برای مردم غور است از طریق رسانه‌های محلی این ولایت هم بارها مطرح شده است.

در کنار این نگرانی‌ها عبدالحی خطیبی، سخنگوی والی غور می‌گوید: در برخی از بخش‌های زیربنای بند برق پروژه لیج کار به کنده جریان دارد.

او گفته میان شرکت روس الکترو و شرکت شاهین افغان

کار ساخت بند برق «پوزه لیج» که گفته می‌شود از زمان آغاز به کار حکومت انتخابی در افغانستان، نخستین طرح زیربنایی در ولایت غور است با خطر متوقف شدن رو به رو است.

کار ساخت این بند برق از دو سال پیش آغاز شده، اما هنوز تنها پنج درصد به پیش رفته و این نگرانی وجود دارد که کار ساخت این پروژه، توقف یابد.

عبدالصمیر قادری معاون شورای ولایتی غور می‌گوید: «وزارت انرژی و آب کشور قرارداد ساخت این بند برق را با یک شرکت روسی به نام «روس الکترو» امضا کرده بود و این شرکت نیز اجرای آن را به یک شرکت افغانی به نام شاهین افغان سپرده بود.»

به بیان او، شرکت شاهین افغان کار ساخت این بند را نزدیک به دو سال است که آغاز کرده و در این مدت هفت میلیون دالر را به مصرف رسانده، اما بخش ناچیزی از این طرح را پیش برده است.

قادری ادامه داد که شرکت روسی یک انجنیر را به



نمایندگی از خود به غور فرستاد و پس از بررسی صورت گرفته توسط وی، دریافت که شرکت اجراکننده طرح، در بدل تنها شش درصد انجام کار این بند، هفت میلیون دالر مصرف کرده است.

معاون شورای ولایتی غور گفت: «بخش‌های اجراشده این پروژه هم از کیفیت کافی برخوردار نبوده و معیاری تشخیص داده نشده است و این موضوع را نماینده شرکت روسی گزارش کرده و شرکت روسی هم قرارداد خود را با شرکت شاهین افغان که اجراکننده این طرح بود، فسخ کرده است.

گفته شده تنها یک تونل انحرافی، چند اتاق و یک سرک تا محل کار ساخته شده است و در سال‌های آینده امکان فروریزی تونل انحرافی آن وجود دارد.

قادری بیان داشت که شرکت روسی کار اجرای این طرح را به یک شرکت افغانی دیگر سپرده، اما به دلیل نبود مکتوب رسمی از سوی وزارت انرژی و آب، تاکنون با آن قراردادی صورت نگرفته و کار ساخت بند متوقف است.

اختلافی به میان آمده و جنجال آنان باید از سوی وزارت انرژی و آب حل شود، چون به قول او، اداره محلی غور توان برطرف کردن آن را ندارد.

خطیبی ادامه داد که شرکت شاهین افغان به دادستانی کل کشور شکایت کرده و دادستانی هم به دلیل امکان تأخیر در اجرای پروژه توسط شرکت دیگر، حکم کرده که باید شاهین افغان به کار ساخت بند پروژه لیج ادامه دهد.

به بیان سخنگوی والی غور، وسایل این شرکت در محل کار باقی مانده و جابه‌جایی آن نیاز به زمان دارد و از این رو دادستانی کل به نفع آن فیصله کرده است.

باید دید که کشمکش‌ها بر سر ادامه ساخت بند برق پروژه لیج که از آن به عنوان تنها پروژه زیربنایی غور یاد می‌شود، به کجا خواهد انجامید.

اجرای این طرح برای بسیاری از مردم این ولایت سرنوشت‌ساز است و می‌تواند زندگی آنان را از نگاه اقتصادی و رفاهی، با تغییرات جدی مواجه سازد.



د کابل سیند سره حادثه

● محمد یار یار

منم چې په کابل سیند کې، تنها د برحق جهاد د بریالیتوب او د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت د تاسیس په نتیجه کې، فی سبیل الله مجاهدینو، په خپل - منځي جهاد کې، د پنځه شپيته زره کابلینو ویني سلابې کړي؟

مگر کابل سیند، هره ورځ د روښنایي غورځنگ د حق غوښتونکو، د باقرالعلوم مسجد د عبادت کوونکو، د رجال برجسته ریاست د منسویانو، د سترې محکمې د کارکوونکو، د طلوع شېکې د ژورنالستانو او د ... په وینو توپاني کپړي؟

د افغانستان په پنځه زره کلن تاریخ کې، که یو څاڅکی وینه هم نه وي څڅېدلې او یوه خښته هم له خپله ځایه نه وي بې ځایه شوې، نو کفایت کوي چې یوازې د فرخندې، د معصوم وجود، د وینو او ایرو امتزاج، د کابل سیند مزاج، د پنځو زرو نورو کالو لپاره، خونې و خرمایي کاندې.

زموږ کابل سیند او د وطن هر بل سیند، وباله، مانده، لښتی، ایشار، فواره او شرشره همپشه خونړی ده؛ سره ده او وحشت خپزه ده، خو دا وحشت، د خپل ناتمام تکرار او کلیشي له امله، اوس زموږ د روح و روان جز لاینفک گڼځېدلې او زموږ په عادت بدل شوی؛ موږ اوس دې وحشت ته وحشت نه وایو، بلکې دا د خپلې خوشخوښی یو طلايي خصوصیت گڼو.

موږ ته د کابل سیند خونړی مردارې، مرداري نه ایسي؛ که داسې نه وای نو د ښاروالی د مردارو اوبو پر ټانکرو به مو، د فضلاب (چټلو اوبو) پر ځای، فضلاب (پاکې اوبه) نه لیکل؛ دا مُشت نمونه خروار ده؛ په دې حساب را ته د کابل سیند فضلاب هم فضلاب ښکاري؛ چښبو یې، غسل پکې کوو، د خدای د رضا په نیت، د لمانځه لپاره، اودسونه پر تازه کوو او د متدینو مؤمنانو په صفت، نظافت نصف ایمان منو.

پرېږدئ چې افغانستان ۱۴۰۰ خوځښت، په کابل سیند کې، یو څو ټانکره رنگ شیرین وړ خوشي کړي؛ گوندې وي چې د وینو معتاد ملت، یو څو کسه یې، په لیدو وحشت زده شي او د مرحوم بڼوا دا شعار په خپلو چیغو کې واخلي چې:

انسانان زوندي په مینه
څو یې مینه هومره وینه
چې یې زړونه شي بې مینې
تویوي یو د بل وینه
گوندي وي چې په یو څو ملي وجدانو زلزله
کپه شي، په پس لړزو کې یې، بین المللي ضمیر
ولړزي.

او گوندي وي که یو وارې، یو هماهنگ نړیوال
آواز را پورته شي چې:

نور بس دي؛

وینه بهول؛

په افغانستان کې

او بالاخره:

په ټول جهان کې !

راوړي وینو یو او وړي به مو همدغه سلاب
خو په هر څرخ کې مو بدمسته خندا هپره نه ده

افغانستان ۱۴۰۰ خوځښت، په وینو لړلی نوښت
و کړ؛ د دلوې پر ۲۲ - مه یې، د افغان خونړیز پر
ضد، د یوه نا آشنا اعتراض په توگه، کابل سیند
تک سور واپاره؛ تا به ویل چې د افغانستان د څو
لسیزو، د جنگ و جهاد وینې دې یو ځایي ورايله
کړي دي؛ هغه پاکې وینې چې د هیڅ لپاره تویی
شوې؛ هغه توپاني وینې چې په سلاب کې یې، د
افغانستان بیخ و بنیاد و خوت؛ هغه گټوري وینې
چې د سیمې هیوادو او لویو قدر تو یې په سمندر
کې، د خپلو - خپلو مفاداتو کبان و نیول؛

هغه موج خپزه وینې چې په سیند کې یې، د دنیا
لویو - لویو لامبوزنانو لامبو ووهله او افغان ولس،
له خپل ټول ښه و بد سره پکې غرق شو؛
هغه سپېڅلې وینې چې د خدای تعالی په حضور
کې، د جنت نازنینو حورو د ویاړ خالونه په
ووهرل؛

هغه جلوه گري وینې چې د سپینې ماڼی د
ابر قدرت پر تم نقش و نگار ورباندې ترسیم شو؛
هغه کراماتي وینې چې په برکت یې زموږ
مسلمان ورور - پاکستان - د اټومي ځواک
څښتن شو؛

هغه زورورې وینې چې په زیم یې د برلین د پوړال
را غوڅار شو؛

هغه خونړی وینې چې په څپو کې یې منځنی آسیا
پر پخلسو ټپو سره بېله شوه؛

او بالاخره هغه وینې چې ... هغه وینې چې ... او ...
نه آن خستگان را خورش نه پزشک
همه جای غم بود خونین سرشک
فردوسي

د کابل سیند دا سره حادثه، له یوې زاویې او هغه
هم که د پېښې په سطحه کې وگورو، کېدای
شي ماناداره مالومه نه شي؛ ممکن استدلال وشي
چې ولي د هغې مکررې خونړی منظرې د تمثیل
نداره راباندې وشي چې اوس موږ ته د پنځو
حواسو د فلج په صورت کې هم د درک وړ
ده؟ مگر زما په فکر، د دې تمثیل او دې سیمبول
شاته، زښتې زیاتي ماناوې د کشف وړ دي او
دا کشف، د افغان ملت لپاره، زموږ د زماني تر
گرددو لوی ضروري ماموریت گڼلای شم؛ که
افغان انسان له دې کشف څخه عاجز پاته شو نو
د وینو د دې باران، د وینو د دې توپان او د وینو
د دې بحران له غرقابه یې، لکه چې مقدر نجات
و نه شواي موندلای؛ زه یې دلته د خپل مسؤلیت
په محدوده کې، خپل د دغه یوه مفهوم کشف در
سره شریکوم، نور نو د هر چا خپل ذوق و خپل
درايت.

دا سمه ده چې په کابل سیند کې، یوازې د جنگ
و جهاد دوران، د یونیم میلیون شهیدانو مقدسې
وینې بهېدلې دي؛

برای کشورهای پس از جنگ، کمتر چنین فرصتی پیش می‌آید که یکی از بزرگترین و قدرتمندترین ملت‌ها و دولت‌های دنیا را برای حمایت از توسعه و پیشرفت پایدار، با خود داشته باشد. این فرصت برای افغانستان اکنون مساعد است. کشورهای مخالف پیشرفت افغانستان نه تنها در نزد امریکا که در جامعه جهانی نیز منزوی و کم‌طرفدار اند، به ویژه چنان که اشاره شد پاکستان به عنوان عمده‌ترین کشور بدخواه افغانستان، با رویکردها و رفتارهای چند پهلویش، نزد کشورهای غربی بی‌اعتماد شده و هرچه این بی‌اعتمادی عمیق‌تر می‌شود، حقانیت موضع افغانستان به عنوان کشوری که در نتیجه سیاست‌های غلط همسایه‌گانش آسیب دیده، بیشتر آشکار می‌گردد.

تنش سیاسی با جوانب منطقه‌ای ذی‌دخل در قضایای افغانستان پیش رفت. آنان هوادار یک راه‌حل منطقی و مسالمت‌آمیزاند که این خود، فرصت دیگری است برای افغانستان تا با ایجاد فضای تفاهم و گفت‌وگوی منطقه‌ای، در حالی که حمایت ایالات متحده امریکا را نیز به عنوان یک متحد استراتژیک با خود داشته باشد، به رفع چالش‌های منطقه‌ای در امر پایان جنگ و دستیابی به صلح و امنیت پایدار در کشور همت گمارد.

حکومت وحدت ملی توانسته طرح‌های استراتژیکی برای همکاری‌های منطقه‌ای عملی کند که یکی از این طرح‌ها نشست چهارجانبه افغانستان، چین، پاکستان و ایالات متحده امریکا است که برای صلح و امنیت پایدار منطقه از طرف افغانستان ارایه شد. مسوولیت کشورهای شامل در این طرح واضح بوده و قرار بود پاکستان نیز به عنوان یک عضو، جامعه جهانی را از اقدامات و نقش خود در تامین ثبات منطقه اطمینان دهد.

برای کشورهای پس از جنگ، کمتر چنین فرصتی پیش می‌آید که یکی از بزرگترین و قدرتمندترین ملت‌ها و دولت‌های دنیا را برای حمایت از توسعه و پیشرفت پایدار، با خود داشته باشد. این فرصت برای افغانستان اکنون مساعد است. کشورهای مخالف پیشرفت افغانستان نه تنها در نزد امریکا که در جامعه جهانی نیز منزوی و کم‌طرفدار اند، به ویژه چنان که اشاره شد پاکستان به عنوان عمده‌ترین کشور بدخواه افغانستان، با رویکردها و رفتارهای چند پهلویش، نزد کشورهای غربی بی‌اعتماد شده و هرچه این بی‌اعتمادی عمیق‌تر می‌شود، حقانیت موضع افغانستان به عنوان کشوری که در نتیجه سیاست‌های غلط همسایه‌گانش آسیب دیده، بیشتر آشکار می‌گردد.

شکست دراماتیک رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ در نتیجه حمایت نظامی ایالات متحده امریکا و متحدانش، از جریان مقاومت ضد طالبانی، می‌تواند یک الگوی خوب در منطقه برای این باشد که تروریستان و گروه‌های دهشت‌افکن، در برابر اتحاد قوی ملت‌هایی که به صلح و آینده مسالمت‌آمیز فکر می‌کنند، هیچ‌اند. این الگو برای آنانی که مبارزه مشترک افغانستان و امریکا با تروریسم را به دیده تردید می‌نگرند، مثال خوبی است.

کارهای زیادی در عرصه مبارزه با تروریسم صورت گرفته است، البته چنان‌که روشن است تروریسم به عنوان یک فکر هنوز نیاز به مبارزه مشترک جهانی دارد. تروریسم به عنوان یک یا چند گروه یا سازمان نظامی، قابل بحث و نگرانی جدی نیست. آن‌چه مهم است، فکر و ایدئولوژی‌ای است که تروریسم را از نظر اعتقادی بازتولید می‌کند. برای مبارزه موثر با این گونه فکر و ایدئولوژی به همکاری‌های مشترک بیشتری نیاز است. ایالات متحده امریکا، به‌ویژه پس از آن‌که دولت جدید آن کشور در کاخ سفید روی کار آمد، به وضاحت نشان داده است که در مبارزه با تروریسم جدی و قاطع است. این نیز در جای خود برای افغانستان و منطقه اهمیت دارد.

دولت و ملت افغانستان، می‌توانند با به فعال‌سازی ظرفیت‌های خوبی که در داخل و خارج کشور در اختیارش قرار دارد، در امر مبارزه مشترک با تروریسم و افراطیت، در همه اشکال و گونه‌هایش به شیوه‌ای که سایر حوزه‌های حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را نیز در برگیرد، مجدانه تلاش کند. این توقع متحدین ما در جامعه بین‌المللی است و راه دیگری نیز برای افغانستان وجود ندارد. البته برای ایالات متحده امریکا، نیز مبارزه موثر و فعال با تروریسم و هراس‌افگنی در افغانستان، حایز اهمیت است. از میان ۹۸ گروه تروریستی که در فهرست سیاه ایالات متحده امریکا قرار دارند، ۲۲ گروه آن در افغانستان و پاکستان فعال‌اند. این گروه‌ها به اشکال مختلف به امریکا ضربه می‌زنند. بنا بر این، برای ایالات متحده امریکا ضروری است تا در افغانستان برای مبارزه با تروریسم حضور داشته باشد و این حضور باید به گونه‌ای باشد که تروریسم در همه اشکال آن به مرور زمان از بین برود و حساسیت کشورهای منطقه نیز در فرآیند این مبارزه برانگیخته نشود. این آرزوی بی‌تردید با تلاش و مبارزه مشترک افغانستان و امریکا برآورده شدنی است، اما اعتماد متقابل شرط اصلی موفقیت در این مشارکت است.

و سیاسیون، به سود افغانستان است. حکومت وحدت ملی توانسته است در دو سال پسین، روابط میان افغانستان و ایالات متحده امریکا را که بعد از سال ۲۰۱۱ پرتنش بود، احیا کند و اهمیت مشارکت استراتژیک این دو کشور را مستحکم‌تر سازد. سفارت جمهوری اسلامی افغانستان نیز در امریکا توانسته است با اداره جدید ایالات متحده امریکا برای ادامه این مشارکت کار کند و تاثیرگذاری خود را بر سیاست‌های اداره جدید برای افغانستان داشته باشد.

در جریان دید و بازدیدهای زیادی که در سفر ده روزه ما به ایالات متحده صورت گرفت، مواضع ما مورد حمایت نظامیان امریکایی بود و متوجه شدیم که دیگر منطق انکار پاکستانی‌ها و ذهنیت‌سازی کاذب‌شان برای مبارزه با تروریسم در امریکا نه تنها که مورد قبول واقع نمی‌شود بلکه به شدت زیر سوال قرار گرفته است.

نظامیان امریکایی اکنون در مورد پاکستان به این نتیجه رسیده‌اند که واقعا اسلام‌آباد در حال آزمون صبر امریکایی‌ها است. حالا نظامیان امریکایی با صراحت می‌پرسند که تا چه زمانی باید با اسلام‌آباد با تساهل و مدارا پیش رفت؟ به ویژه پس از آن‌که پاکستان در تلاش و تکاپوی پیدا کردن منابع تمویل دیگر برای پروژه طالبان شده و تصمیم دارد تا ایران و روسیه را ترغیب به حمایت از طالبان کند. امریکایی‌ها از آن‌زمان بیشتر نسبت به رفتار اسلام‌آباد مشکوک شده‌اند.

تلاش‌های پاکستانی‌ها برای مشروعیت‌بخشیدن به طالبان و ایجاد ذهنیت مثبت در روسیه، چین و ایران که از سال ۲۰۰۱ تا حال ادامه داشته و تا حدودی نتیجه داده است و دست‌کم باعث شده تا روسیه و ایران از طالبان به گونه علنی به بهانه مبارزه با داعش حمایت کنند.

هرچند این رویکرد پاکستان، که می‌توان آن را بازی خطرناک اسلام‌آباد با تروریسم عنوان کرد، ممکن است به انزوای بیشتر این کشور در مجامع بین‌المللی منجر شود، اما پاکستانی‌ها در حال اجرای این بازی‌اند که خوش‌بختانه طرفداران افغانستان در ایالات متحده امریکا متوجه این نکته شده‌اند.

امریکایی‌ها، به ویژه آن عده از مقام‌های نظامی آن کشور که در شانزده سال اخیر در افغانستان مأموریت داشته‌اند و بر اوضاع افغانستان و منطقه اشراف دارند امروزه با صراحت بیان می‌دارند که از رفتار اسلام‌آباد در زمینه مبارزه با تروریسم و دهشت‌افگنی، راضی نیستند. می‌توان گفت که آخرین بقایای ذهنیتی که گویا اسلام‌آباد را متحد امریکا در امر مبارزه با تروریسم می‌پندارد، در ایالات متحده امریکا در حال از بین رفتن است و پاکستانی‌ها نیز چنانسی برای ترمیم وجهی فریبکارانه خود در نزد پنتاگون ندارند و این بدون شک به سود افغانستان است.

حالا بر ما است که چگونه از فرصت پیش آمده به سود افغانستان استفاده کنیم. چگونه می‌توانیم یک متحد قابل اعتماد برای امریکا باشیم تا امریکایی‌ها بتوانند با دست و دل باز، روی افغانستان سرمایه‌گذاری کنند و مطمئن باشند که این سرمایه‌گذاری‌ها هدر نمی‌رود و به یک مشارکت پایدار و استراتژیک میان دو ملت و دولت مبدل شود.

نظام کنونی افغانستان خواست اکثریت مردم افغانستان است و هیچ بدیلی نخواهد داشت. کشورهای روسیه، ایران، چین و پاکستان باید بدانند که گروه طالبان در افغانستان آینده ندارد و نابودی، سرنوشت محتوم این همه گروه‌های تروریستی است.

از فحواي اظهارات مقام‌های امریکایی در این سفر ده روزه قابل دریافت بود که آنان توقع بیشتری از دولت و نهادهای امنیتی افغانستان دارند. آنان به این باوراند که کار و تلاش بیشتری در کابل نیاز است تا افغانستان بتواند، به عنوان یک متحد استراتژیک برای امریکا عرض اندام کند. مبارزه جدی با فساد و ایجاد ساختارها و میکانیسم‌هایی که متضمن مبارزه موثر با فساد و ایجاد یک اداره سالم و کارآمد باشد، عمده‌ترین بخش توقعات امریکایی‌ها از دولت و ملت افغانستان است که البته این توقع، توقع بی‌جایی نیست و اهتمام در این زمینه، بی‌تردید به سود یک افغانستان با ثبات است.

نکته مثبت دیگر این است که امریکایی‌ها به این نظراند که نباید در حل مشکلات افغانستان، از راه تقابل و

ضعف منطق پاکستانی‌ها در امریکا

و

فرصت‌هایی که

افغانستان در اختیار دارد

کتاب: صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله



هم یکی از روی‌کردهای نظامیان پاکستان در مواجهه با سیاست‌های منطقه‌ای این کشور است و شمار زیادی از گروه‌های تروریستی که تهدید جدی برای افغانستان و منطقه‌اند، برای پاکستان اهداف نظامی نیستند. ما در ادامه دیدگاه‌های خود معتقد بودیم که تسلط نظامیان پاکستانی بر گروه‌های هراس‌افکن، با هدف استفاده این گروه‌ها در امر پیش‌روی استراتژیک در منطقه، هنوز هم برای پاکستان یک برنامه دایمی و جذاب است و این که ارتش پاکستان فقط در یک روی‌کرد نمادین و فریبنده، عملیات‌های نظامی‌ای را به نام «ضرب العضب» علیه فعالیت‌های یک یا چند گروه محدود و کم‌اهمیت جهادی در پاکستان راه می‌اندازد اندک، ناموثر، گزینشی و با اثرات کوتاه مدت‌اند و این عملیات‌ها هیچ‌گاهی بر مواضع اصلی شبکه حقانی، طالبان و سایر گروه‌های عمده تروریستی در پاکستان انجام نشده و نخواهد شد.

در این میان، نظامیان پاکستانی نیز بر مواضع قبلی خود، این‌که به گونه جدی با تروریسم و افراطیت مقابله می‌کنند، تاکید می‌ورزیدند. آنان واقعیت‌های عینی‌ای که ما بر آن اصرار ورزیدیم را اتهام‌های ناوارد بر پاکستان عنوان کرده و منکر هر گونه حمایتی از گروه‌های تروریستی شدند.

جنرالان پاکستانی چنان بر انکار خود اصرار ورزیدند که انگار در پیش‌گاه یک دادگاه حضور دارند. آنان کمترین اعترافی به جرمی که مرتکب شده و در حال ارتکاب اند، نمی‌کردند.

اما در ایالات متحده امریکا، ذهنیت اکثریت قاطع نظامیان

چند روز پیش من و شماری از همکارانم از نهادهای امنیتی کشور، سفری به ایالات متحده امریکا داشتیم و در یک مرکز پژوهشی وزارت دفاع آن کشور با شماری از جنرالان ارتش پاکستان وارد بحث‌های امنیتی شدیم. در واقع مقام‌های نظامی ایالات متحده امریکا، از آن‌رو تدارک سفرمان به آن کشور را دیده بودند که نظامیان افغانستان و پاکستان پیرامون چگونگی مبارزه با تروریسم با هم تبادل نظر کنند.

در این مدت، زمینه دیدارها با نظامیان امریکایی، نمایندگان افغانستان و پاکستان، اعضای کانگرس و سنای امریکا و پاکستان فراهم شد و بحث و جدل‌های رسمی و غیررسمی میان طرفین در مورد امنیت افغانستان، پاکستان، منطقه و مبارزه موثر با هراس‌افگنی و تروریسم صورت گرفت.

بی‌تردید موضع‌گیری ما به عنوان نمایندگان نهادهای امنیتی افغانستان و مواضع جنرال‌های پاکستانی در تقابل با یکدیگر بود. ما همچنان مثل هر زمان دیگر، بر این نکته اصرار و تاکید می‌ورزیدیم که پاکستان در مبارزه با تروریسم و افراطیت هیچ‌کاری را انجام نداده است، ما گفتیم که گروه‌های خطرناک تروریستی هم‌چنان در پاکستان آرام و آسوده مشغول آموزش، تجهیز و تجدید نیرو می‌باشند و هنوز هم به باور ما ارتش پاکستان، هراس‌افگنی را تامین‌کننده منافع مهم و استراتژیک منطقه‌ای خود می‌دانند.

دیدگاه ما این بود که استفاده ابزاری از گروه‌های هراس‌افکن برای اعمال فشار بر هند و افغانستان، هنوز



Tender Notification call for expression of interest for Inquiry#91106118:

The Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH is implementing Technical Cooperation measures on behalf of the Government of the Federal Republic of Germany.

GIZ Office in Kabul now invites experienced and financial solvent Bidders to submit their expression of interest letter, past experience and contracts/orders with organizations in field of Printing Calendars/Notebooks with delivery for Rule of Law project in Kabul and Northern provinces.

To claim the tender documents for the bidding process, please send your expression of interest letter along with past experience contracts or orders to tenders-afg@giz.de latest by 25-February 2017, at 4:00 O'clock, Kabul local time.

Note: Past experience contracts or orders at mentioned fields with any organizations is mandatory to send along with expression of interest letter.

اطلاعیه داوطلبی:

اداره انکشاف بین المللی آلمان (GIZ) به نمایندگی از دولت فدرال آلمان در بخش های مختلف، همکاری تخنیکي عرضه می دارد.

دفتر اداره انکشاف بین المللی آلمان GIZ در کابل، از همه داوطلبان با تجربه و دارای توانایی مالی دعوت به عمل می آورد تا نامه مبتنی بر علاقه مندی، تجارب کاری و قراردادهای خویش را که بیانگر فعالیت شان در زمینه چاپ وانتقال جنتری و کتابچه برای پروژه (Rule of Law) در کابل ولایات شمالی می باشد، به دفتر مرکزی GIZ در کابل ذریعه ایمیل ارسال نمایند، تا شامل فرایند داوطلبی گردند.

برای به دست آوردن سایر اسناد داوطلبی، لطفاً نامه مبتنی بر علاقه مندی، تجارب کاری، قراردادهای و سایر اسناد خویش را قبل از ۴:۰۰ عصر (به وقت کابل) روز ۲۵ ماه فروری سال ۲۰۱۷ میلادی به ایمیل آدرس tenders-afg@giz.de ارسال دارید.

یادداشت: ارسال قراردادهای منعقد با سایر نهادها در گذشته درین چاپ حتمی و ضروری می باشد.



Tender Notification call for expression of interest for Inquiry#91105767:

The Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH is implementing Technical Cooperation measures on behalf of the Government of the Federal Republic of Germany.

GIZ Office in Kabul now invites experienced and financial solvent Bidders to submit their expression of interest letter, past experience and contracts/orders with organizations in field of Supply and delivery of stationery for PCP in Kabul.

To claim the tender documents for the bidding process, please send your expression of interest letter along with past experience contracts or orders to tenders-afg@giz.de latest by 23-February 2017, at 4:00 O'clock, Kabul local time.

Note: Past experience contracts or orders at mentioned fields with any organizations is mandatory to send along with expression of interest letter.

اطلاعیه داوطلبی:

اداره انکشاف بین المللی آلمان (GIZ) به نمایندگی از دولت فدرال آلمان در بخش های مختلف، همکاری تخنیکي عرضه می دارد.

دفتر اداره انکشاف بین المللی آلمان GIZ در کابل، از همه داوطلبان با تجربه و دارای توانایی مالی دعوت به عمل می آورد تا نامه مبتنی بر علاقه مندی، تجارب کاری و قراردادهای خویش را که بیانگر فعالیت شان در زمینه تهیه وانتقال قرطاسیه باب برای پروژه (PCP) در کابل می باشد، به دفتر مرکزی GIZ در کابل ذریعه ایمیل ارسال نمایند، تا شامل فرایند داوطلبی گردند.

برای به دست آوردن سایر اسناد داوطلبی، لطفاً نامه مبتنی بر علاقه مندی، تجارب کاری، قراردادهای و سایر اسناد خویش را قبل از ۴:۰۰ عصر (به وقت کابل) روز ۲۳ ماه فروری سال ۲۰۱۷ میلادی به ایمیل آدرس tenders-afg@giz.de ارسال دارید.

یادداشت: ارسال قراردادهای منعقد با سایر نهادها در گذشته درین زمینه تهیه قرطاسیه باب حتمی و ضروری می باشد.

وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث: سیستم مدیریت ملی رسیدگی به حوادث طبیعی ایجاد می شود

کچ: سردار داهی

مسئولان وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث می گویند که آنان سیستم مدیریت ملی رسیدگی به حوادث را آماده کرده اند و در گذشته این اداره، دارای چنین سیستمی نبود و ساختار آن نیز «ناقص» بود. ویس احمد برمک وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث، دیروز سه شنبه ۳ حوت در «کارگاه ملی مشورتی تطبیق چهارچوب سندای در افغانستان» گفت که رسیدگی به موقع به حادثه های طبیعی زمانی ممکن می شود که سیستم مبارزه با حوادث طبیعی تهیه شود و به ظرفیت های بشری، تخصص و توانمندی آنان افزوده شود. آقای برمک گفت: «از طریق مطبوعات بسیار سلیس صحبت کردم که ما دارای یک سیستم نیستیم. آن چه که انجام می دهیم، کار ما کار عکس العملی است، استراتژیکی نیست.» به گفته او، برنامه هایی که آنان روی دست دارند، در صورت حمایت حکومت ملی، سیستم هشداردهنده قبل از وقوع حادثه های طبیعی نیز آماده خواهد شد. او در انتقاد از نداشتن برنامه منسجم و عملیاتی و ناقص بودن تشکیلات این اداره می گوید که در گذشته برنامه ی درستی در دست مسئولان نبود و ساختار تشکیلاتی این اداره نیز ناقص بود. به گفته او، ولایت بدخشان که آسیب پذیری حادثه های طبیعی در آن بالا است، پنج نفر تشکیل دارد که رسیدگی به حادثه ها در زمانش ممکن نیست. آقای برمک گفت: «ظرفیت لازم داریم، اما توانمندی در مدیریت لازم وجود نداشت و در بخش مدیریتی و تشکیلاتی، مشکل موجود است.» به گفته او، چارچوب استراتژیک ملی برای کاهش خطرهای طبیعی طرح خواهد شد. این در حالی است که به کمک بانک جهانی و توسط سازمان ملل، اراضی افغانستان نقشه برداری شده و مناطق آسیب پذیر نیز شناسایی شده است. با این حال، زلزله در قسمت های شمال و شمال شرق، سیلاب و طوفان های ریگی در مناطق جنوب و جنوب غرب، برف کوچها در مناطق مرکزی و برف و بارانها و بندش راهها در مناطق شرقی افغانستان رخ می دهد. سالانه ده ها تن به اثر حادثه های طبیعی جان شان را از دست می دهند و خساره های مالی زیادی به مردم وارد می شود. وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث می گوید که برنامه ای تهیه شده آنان برای مبارزه با حادثه های طبیعی جامع است و روی آن از دید جهانی و منطقه ای صحبت صورت گرفته است. ویس احمد برمک گفت که تمرکز آنان روی حادثه های طبیعی در کشور است تا ببینند چطور می توانند مردم را از خطرهای طبیعی، مصون داشته باشند. او گفت که نزدیک به ۶۰ درصد افغانستان در معرض خطر زمین لرزه قرار دارند و خطرهای ناشی از سیلاب، ریزش برف و باران و برف کوچها و خشک سالی در افغانستان بلند است. به گفته آقای برمک، وضعیت ناگوار اقتصادی مردم، تداوم جنگها و افزایش میزان بازگشت مهاجران در سال آینده، نشان می دهد که «افغانستان از نقطه نظر بشری در وضعیت خوبی» قرار نخواهد داشت. او گفت، در صورتی که بازگشت مهاجران افزایش یابد، باعث ایجاد یک وضعیت ناگوار بشری می شود. نگرانی ها از خطرات حوادث طبیعی برای سال آینده در حالی مطرح می شود که از سوی دولت افغانستان در بخش رسیدگی به حادثه های طبیعی نزدیک به یک میلیارد افغانی بودجه در نظر گرفته شده است. وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث می گوید: «از نقطه نظر مالی کدام مشکلی جدی نمی بینیم. در عین زمان ۵۵۰ میلیون دالر از سوی جامعه جهانی برای رسیدگی به حوادث نیز کمک خواهد شد.» با این حال نزدیک به ۲۰۰ نهاد خیریه در کشور برای کمک های بشردوستانه حضور دارند. هم چنین وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث می گوید که «باید» بودجه ای برای رسیدگی و پیش گیری حادثه های طبیعی از سوی وزارت های سکتوری مثل وزارت های معارف، تحصیلات، انکشاف دهات،



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

Islamic republic Of Afghanistan
Ministry Of Higher Education

ریاست پوهنتون البیرونی

معاونیت اداری

مدیریت عمومی تهیه تدارکات خدمات

ریاست پوهنتون البیرونی در نظر دارد که مواد مورد ضرورت سال ۱۳۹۵ لیلیه خویش را که عبارت از حبوبات، روغنات، گوشت، نان خشک، گاز مایع، میوه و ترکاری می باشد قرارداد نماید. شرکت های که دارای جواز فعالیت تجارتي و اهلیت مطابق شرطنامه را دارا بوده و خواهش قرارداد را داشته باشند در خواست های خود را بعد از اخذ احکام ریاست پوهنتون به مدیریت عمومی تهیه و تدارکات پوهنتون سپرده آفر اخذ و شرطنامه را ملاحظه نموده به تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ جهت داوطلبی حاضر بوده تضمین نقدا اخذ می گردد.



www.8am.af

www.facebook.com/8am.af

Twitter:@HashtSubhDaily

سینجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
پرویز کاوه parwiz_kawa@yahoo.com
مجنتی هاشمی sayedmujtaba_hashemi@yahoo.com
فریدون آژند ۰۷۹۷۴۱۶۰۶۲
شایان فریور ۰۷۰۰۷۰۹۰۹۸ shayanfa@gmail.com



صاحب امتیاز:

مدیر مسول:

معاون مدیر مسول:

تحلیگر ارشد:

دیر بخش سیاسی:

دیر بخش ادب و فرهنگ:

Publisher:

Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:

Parwiz Kawa
parwiz_kawa@yahoo.com

Deputy Editor -in-Chief:

Mujtaba Hashemi

+93 766644664

نورالعین و بهروز خاوری
وحید پیمان، سهیلا وداع خموش، سردار داهی، زینب فرمند
ظفر شاه رویی ۰۷۹۹۳۱۹۵۳۴
خیبر رحیمی - مصطفی سروری - مهدی فرهاد - غلامرضا مجیدی
احمدضیا محمدی
۰۷۰۸۱۴۴۰۴۷
صندوق پستی ۱۹۱۱، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
ایستگاه برج برق، سرک کولوله پشته، ناحیه چهارم، کابل
Afghanistan_8am@yahoo.com
صبح در ویرایش و پیرایش مطالب وارد دست باز دارد.
به جز سرمقاله، آرای مطرح شده در مقالات به نویسندگان آن برمی گردد.



عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود هستند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندانان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.

www.azizibank.af 1515

دیده بان حقوق بشر:

داعش به زنان در عراق حمله می کند



دیده بان حقوق بشر از آزار جنسی زنان توسط داعش در مناطق تحت تسلط این گروه خبر می دهد. یکی از شواهد از این دسته آزار، زنی به نام یزیدی است که مورد لت و کوب و آزار جنسی قرار گرفته است. دیده بان حقوق بشر گفت شش تن از زنانی که از منطقه الحویجه شهر موصل در عراق از دست این گروه فرار کرده اند، در مصاحبه با دیده بان حقوق بشر گفته اند، هزاران تن از زنان در عراق از سوی گروه داعش مورد آزار جنسی، لت و کوب و ازدواج هایی هم چنان گفت که این تنها پرونده ای نیست که مبنی بر آزار جنسی زنان توسط گروه داعش در عراق در دست دارند. آنان گفتند که پرونده های زیادی مبنی بر آزار جنسی زنان توسط این گروه در عراق، در نزد آنها وجود دارد. لمی فقیه رییس دیده بان حقوق بشر در آسیای میانه گفت: «ما امیدواریم که جامعه بین المللی و مقامات ذی ربط به قربانی های چنین خشونت ها کمک کند و به داد آنها برسد.» حنا، یکی دیگر از زنانی است که بعد از آن که شوهرش او را ترک کرد، با اطفال خود از منطقه الحویجه شهر موصل فرار کرده است. او گفت که گروهی او را می خواستند به شهری دیگر انتقال دهند، اما گروه داعش سد راه آنها قرار گرفته و او و کودکش را اسیر گرفتند و پسان تر به او گفتند که با رهبرشان باید ازدواج کند. زمانی که او این پیشنهاد را نپذیرفته، مورد لت و کوب و در مقابل اطفالش مورد آزار جنسی قرار گرفته است.

یزیدی از دیگر مثال های خشونت بر زنان در موصل به شمار می رود. زنان عرب از قربانیان خشونت بر زنان اند که با آزار و اذیت های فراوانی در کشورشان رو به رو شده اند. دیده بان حقوق بشر می گوید که از این مورد خشونت ها در برابر زنان در سرتاسر عراق و سوریه وجود دارد، اما آنها برای دریافت راه حل های نجات قربانیان، از این دسته خشونت ها طرح می ریزند و کار می کنند. گروه داعش مناطق زیادی در عراق و سوریه را در سال ۲۰۱۴ میلادی به دست خود گرفته و خلافتش را در آن کشورها آغاز کرد. نیروهای مسلح عراق و سوریه به حمایت ایالات متحده آمریکا، مناطق زیادی را که داعش تحت کنترل داشت، دوباره در کنترل گرفته اند. گروه داعش، زنان را در مناطق تحت کنترلشان دست داشته شان کفار خوانده، انواع خشونت های ضد انسانی را با آنها انجام می دهند. بانوان قربانی خشونت به دیده بان حقوق بشر گفته اند که تعداد زیادی از زنان پیش از این که مورد خشونت و آزار جنسی قرار گیرند، گروه داعش آنها را «از دین گشته» خوانده به آنها حمله و تجاوز می کند.

ترامپ هربرت مک مستر را مشاور امنیت ملی کاخ سفید انتخاب کرد



دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده، جنرال هربرت ریمنون مک مستر، از فرماندهان برجسته ایالات متحده که سابقه کاری در عراق و افغانستان دارد را به عنوان مشاور امنیت ملی، به جای مایکل فلین انتخاب کرد. جنرال هربرت مک مستر که به عنوان سرباز در ویتنام جنگیده است، دو کتورای تاریخ آمریکا از دانشگاه کارولینای شمالی دارد. انتخاب مک مستر، جنرال سه ستاره ۵۴ ساله را به جای مایکل فلین یک هفته پس از استعفای آقای فلین از سمتش به دلیل آشکار شدن تماس هایش با سفیر روسیه در واشنگتن صورت می گیرد. پیش از جنرال مک مستر، رابرت هاروارد، دریاسالار بازنشسته ارتش آمریکا گزینه ترامپ برای پست مشاور امنیت ملی بود، پیشنهادی که آقای هاروارد آن را نپذیرفت. پست مشاوریت امنیت ملی ایالات متحده آمریکا سمتی است که نیاز به تایید مجلس سنای کنگره ایالات متحده ندارد. از سوی دیگر دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا که به کلاگ، جنرال بازنشسته نیروهای ایالات متحده آمریکا که به عنوان مشاور موقت امنیت ملی فعالیت می کند را به عنوان ستاد شورای امنیت ملی منصوب کرده است. دونالد ترامپ گفت که جان بولتون، نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل را به سمت دیگری منصوب خواهد کرد. به اساس گزارش اسوشیتد پرس، هربرت مک مستر از متخصصان برجسته فنون جنگی ایالت متحده به حساب می آید و ترامپ در اقامت گاه خود در فلوریدا به خبرنگاران گفت که جنرال مک مستر از توانمندی های و تجارب بسیار فوق العاده برخوردار است.

دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده، جنرال هربرت ریمنون مک مستر، از فرماندهان برجسته ایالات متحده که سابقه کاری در عراق و افغانستان دارد را به عنوان مشاور امنیت ملی، به جای مایکل فلین انتخاب کرد. جنرال هربرت مک مستر که به عنوان سرباز در ویتنام جنگیده است، دو کتورای تاریخ آمریکا از دانشگاه کارولینای شمالی دارد. انتخاب مک مستر، جنرال سه ستاره ۵۴ ساله را به جای مایکل فلین یک هفته پس از استعفای آقای فلین از سمتش به دلیل آشکار شدن تماس هایش با سفیر روسیه در واشنگتن صورت می گیرد. پیش از جنرال مک مستر، رابرت هاروارد، دریاسالار بازنشسته ارتش آمریکا گزینه ترامپ برای پست مشاور امنیت ملی بود، پیشنهادی که آقای هاروارد آن را نپذیرفت. پست مشاوریت امنیت ملی ایالات متحده آمریکا سمتی است که نیاز به تایید مجلس سنای کنگره ایالات متحده ندارد. از سوی دیگر دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا که به کلاگ، جنرال بازنشسته نیروهای ایالات متحده آمریکا که به عنوان مشاور موقت امنیت ملی فعالیت می کند را به عنوان ستاد شورای امنیت ملی منصوب کرده است. دونالد ترامپ گفت که جان بولتون، نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل را به سمت دیگری منصوب خواهد کرد. به اساس گزارش اسوشیتد پرس، هربرت مک مستر از متخصصان برجسته فنون جنگی ایالت متحده به حساب می آید و ترامپ در اقامت گاه خود در فلوریدا به خبرنگاران گفت که جنرال مک مستر از توانمندی های و تجارب بسیار فوق العاده برخوردار است.

اعتراض ترکیه به اظهارات سخنگوی وزارت خارجه ایران



عربستان و بحرین متهم کرد. اما این تنها وزیر خارجه ترکیه نبود که در مونیخ اتهام ها، انتقادات و اعتراضاتی را متوجه سیاست های جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه کرده بود و مقام های عربستان و اسرائیل نیز به شدت به ایران تاختند. وزیر دفاع اسرائیل، ایران را چالش اصلی خاورمیانه و وزیر خارجه عربستان نیز این کشور را بزرگترین حامی تروریسم توصیف کرده بودند. ایران، از مهم ترین حامیان بشار اسد در سوریه است و ترکیه و عربستان از مهم ترین مخالفان اسد اند. عربستان و ایران در یمن نیز از طرف های مخالف و درگیر با یکدیگر حمایت می کنند. ایران، اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی شناسد و مقام های آن، بارها موجودیت آن را هدف سخنان تهدیدآمیز خود قرار داده اند. دولت اسرائیل نیز منتقد سرسخت توافق اتمی است و با روی کار آمدن دونالد ترامپ، نخست وزیر آن کشور اعلام کرده وقت رسیدگی به ایران است. دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده نیز حکومت ایران را دولت شماره یک حامی تروریسم توصیف کرده است. اسرائیل، عربستان و ترکیه، جملگی متحدان آمریکا در غرب آسیا هستند.

اعتراض ها و واکنش های پی در پی مقام های انقره و تهران به سخنان یکدیگر ادامه دارد. سخنگوی وزارت خارجه ترکیه روز دوم حوت در واکنش به گفته های همتای ایرانی خود که گفته بود صبر ایران در برابر ترکیه حدی دارد، پاسخ داده است. او در این پاسخ گفته است که این سخنان نه قابل قبول است، نه قابل درک. به گزارش خبرگزاری دولتی ترکیه، آناتولی، حسین مفتی اغلو، سخنگوی وزارت خارجه آن کشور به سخنان بهرام قاسمی، که گفته بود «صبر ایران در مقابل ترکیه حدی دارد» پاسخ داده است. او افزوده است که ایران باید گام هایی سازنده بردارد و به جای متهم کردن کشورهای منتقد خود، سیاست های منطقه ای خود را بازبینی کند. ساعتی پیش از این گفته ها بود که آقای قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه ای ایران، با انتقاد از انقره اظهار داشت ترکیه باید در گفتار و بیانی که در مورد ایران مطرح می کند، با ذکاوت بیشتری عمل کند. روز سه شنبه، وزارت خارجه ایران، سفیر ترکیه در تهران را، در اعتراض به گفته های وزیر خارجه ترکیه در کنفرانس امنیتی مونیخ، احضار کرده بود. پیش از آن وزیر خارجه ترکیه، در مونیخ، ایران را با فرقه گرایی و تلاش برای تضعیف

گرسنگی جان هزاران کودک را در آفریقا و خاورمیانه به مخاطره انداخته است

صندوق وجهی سازمان ملل برای کودکان (یونیسف) در گزارشی هشدار داده است که در حال حاضر، حدود یک میلیون و چهارصد هزار کودک در نایجریا، سومالی، سودان جنوبی و یمن به خاطر کمبود مواد غذایی گرفتار سوء تغذی حاد هستند و خطر مرگ، آنان را تهدید می کند. در یمن که در حدود دو سال گذشته شاهد تشدید جنگ بین دولت و شورشیان حوثی و حامیان آنها بوده، از یک سال پیش تا کنون حدود چهارصد و شصت هزار کودک با قحطی و کمبود مواد غذایی دست و گریبان بوده و دچار سوء تغذی حاد اند و در مناطق شمال غرب نایجریا نیز همین تعداد کودک، از سوء تغذی رنج می برند. به اساس گزارش بی بی سی، شبکه ی هشدار سریع قحطی موسوم به «فیوز نت» گفته است که مناطق دور افتاده ایالت بورنو در نایجریا از اواخر سال گذشته میلادی عملاً دچار قحطی بوده و در صورتی که سازمان های امداد رسانی به زودی به این مناطق رسیدگی نکنند، خطر مرگ و میر به خصوص در میان کودکان اجتناب ناپذیر خواهد بود. این شبکه که توسط آژانس توسعه ی بین المللی ایالات متحده و وزارت خارجه آن کشور ایجاد شده، مناطق مخاطره آمیز از لحاظ وقوع قحطی را به طور مرتب زیر نظر دارد و به گردآوری و انتشار علایم وقوع قحطی مبادرت می ورزد. به گزارش یونیسف، خشک سالی در سومالی بیش از یکصد و هشتاد هزار کودک را به مرز قحطی کشانده در حالی که احتمال دارد این رقم طی چند ماه آینده به بیش از دویصد و هفتاد هزار نفر افزایش یابد. در سودان جنوبی، که خشک سالی و جنگ داخلی شرایط دشواری را برای بسیاری از مردم این کشور ایجاد کرده، وقوع قحطی رسماً در بخش هایی از شمال کشور اعلام شده است. یونیسف تعداد کودکان مبتلا به سوء تغذی در این کشور را بیش از دویصد و هفتاد هزار نفر گزارش کرده است. صندوق کودکان سازمان ملل خواستار اقدام سریع جهانی برای مقابله با این وضعیت شده و گفته است که هنوز هم برای نجات جان هزاران کودک از خطر مرگ، دیر نشده است. قرار است نمایندگانی از سوی شورای امنیت سازمان ملل به زودی به کشورهای کامرون، چاد و شمال نایجریا سفر کنند تا به این وسیله، توجه جهانی به بحران انسانی را جلب کنند.

تظاهرات گسترده به ضد دعوت بریتانیا از دونالد ترامپ

هزاران تن از معترضان در لندن، از دعوت رسمی دولت بریتانیا از ترامپ برای دیدار از این کشور، انتقاد کردند. حزب کارگر این دعوت را اشتباهی بزرگ خواند. دیدار رسمی دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا از بریتانیا صدای مخالفت تمام احزاب سیاسی در بریتانیا را نیز بلند کرده است. به گزارش نیویورک تایمز، حدود دو میلیون تن از شهروندان بریتانیایی خواستار لغو دعوت از ترامپ شده اند که این کار سبب شد تا موضوع این سفر جنجالی رسماً به صحن پارلمان راه پیدا کند. نمایندگان حزب کارگر دعوت ترزا می، نخست وزیر بریتانیا از ترامپ را اشتباهی بزرگ خوانده و از دولت به شدت انتقاد کردند. پل فلین، نماینده حزب محافظه کار گفت که دعوت از ترامپ این تصویر را ایجاد می کند که گویی پارلمان بریتانیا، ملت این کشور و حاکمیت خودمختار بریتانیا، حامی اقدامات دونالد ترامپ هستند. هم زمان با برگزاری جلسه پارلمان صدها تن از شهروندان بریتانیا در مقابل ساختمان پارلمان تظاهرات کردند. معترضان با در دست داشتن نوشته هایی علیه ترامپ، هم چنین مخالفت خود را با تعامل مضر ترزا می و رییس جمهور آمریکا ابراز کردند. در یکی از شعارهای معترضان سفر ترامپ به بریتانیا نوشته شده است: «سخنان زن ستیزانه و مبتذل ترامپ که به خوبی مستند شده اند، دلایلی فاقد شایستگی برای دیدار با ملکه و شهزاده چارلز هستند.» به گفته دولت بریتانیا، سفر دونالد ترامپ به لندن، پس از برنامه زمانی و انجام آماده سازی ها صورت خواهد گرفت.